

استاندار آذربایجان شرقی:

توسعه نیروگاه‌های خورشیدی
راهکار مدیریت
ناقرازی برق است
در صفحه یک



یکشنبه ۴ مرداد ماه ۱۴۰۵ سال بیستم شماره ۳۵۹۳ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

سیاست

تغییر آرایش سیاسی ترکیه در سایه ظهور «حزب جدید»

طرح نو؛ سردبیر

تحولات اخیر در صحنه سیاسی ترکیه، نشان‌دهنده ورود این کشور به فصلی تازه و پرچالش از رقابت‌های قدرت است. اعلام موجودیت «حزب جدید» توسط اوزگور اوزل و جمعی از نمایندگان جدا شده از حزب جمهوری‌خواه خلق، نه تنها یک انشعاب ساده در جناح اپوزیسیون، بلکه بازتاب‌دهنده شکاف‌های عمیقی است که ساختارهای سیاسی ترکیه را در سال‌های اخیر به لرزه درآورده است. این رویداد، در بستری از فشارهای قضایی و محدودیت‌های گسترده بر فعالیت احزاب منتقد رقم خورده و پیامدهای آن، موازنه قدرت در پارلمان و فضای عمومی کشور را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. برای درک چرایی این تحول، باید به تقابل دیرینه میان جریان‌های سکولار و حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان نگریست که اکنون با ورود بازیگران جدید، وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر شده است.

تصمیم اوزگور اوزل و همکارانش برای تأسیس «حزب جدید» بلافاصله پس از ابطال کنگره حزب جمهوری‌خواه خلق و عزل قضایی او، پیامی روشن به اردوغان و هوادارانش با این عنوان داشت که مخالفان، با وجود تمام فشارها و برخورد‌های قانونی، قصد ندارند عرصه سیاسی را به طور کامل ترک کنند و به دنبال فضایی جدید برای سازماندهی نیروهای خود هستند. احکام قضایی علیه رهبران اپوزیسیون، در افکار عمومی ترکیه به عنوان ابزاری برای تضعیف رقابتی قدرتمند حاکمیت تعبیر شده و همین امر، انگیزه‌ای مضاعف برای شکل‌گیری این تشکل سیاسی فراهم کرده است. با این حال، پرسش اصلی اینجاست که آیا «حزب جدید» می‌تواند به عنوان یک نیروی منسجم و قدرتمند، خلأهای

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

همزمان با سالروز بزرگداشت شیخ صفی الدین اردبیلی بررسی می‌شود:

صفویه معمارِ بنایِ استوارِ ایرانِ نوین

در صفحه ۲



سرمقاله

جنگ و همبستگی ملی؛ سهام مردم در دفاع از میهن

طرح نو؛ سردبیر

در تاریخ پرفراز و نشیب ملت‌ها، جنگ‌ها همواره بیش از آنکه عرصه‌ی تقابل صرفِ ارتش‌ها باشند، آزمونی برای سنجش «تاب‌آوری ملی» و «انسجام اجتماعی» بوده‌اند. در این میان، نقش مردم نه تنها به عنوان حامیانِ پشت جبهه، بلکه به عنوان ستون‌های استوار دفاع، نقشی حیاتی و غیرقابل‌جایگزین است. پیروزی در میدان‌های نبرد، پیش از آنکه در سنگرها رقم بخورد، در قلب جامعه و در اراده‌ی توده‌هایی شکل می‌گیرد که با حضور آگاهانه و ایثارگرانه خود، تمام‌قد در برابر دشمن ایستاده‌اند. در واقع، جنگ پدیده‌ای است که تمام ابعادِ زندگی یک ملت را درگیر می‌کند و مردم با ایفای نقش‌های متنوع، از پشتیبانی‌های لجستیکی گرفته تا حضور مستقیم در خط مقدم، سرنوشتِ نهاییِ نبرد را تعیین می‌کنند.

نخستین و ملموس‌ترین وجه مشارکت مردمی، «پشتیبانی» است، زمانی که صدای شنبیور جنگ بلند می‌شود، جامعه به شبکه‌ای عظیم از ایثار تبدیل می‌گردد. کمک‌های مالی، چه نقدی و چه غیرنقدی، نمادی از پیوند عمیق مردم با هدف

ورزش

دختران تبریزی به دنبال رویای پشت دستکش‌ها

شهری

خیابان‌هایی که دوباره زخم می‌خورند؛ کهن‌شهر تبریز و ضرورت پایان‌دادن به حفاری‌های بی‌برنامه

استاندار آذربایجان شرقی:

توسعه نیروگاه‌های خورشیدی راهکار مدیریت ناقرازی برق است



هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی است، تصریح کرد: برای تحقق این هدف باید از فعالیت‌های جزیره‌ای پرهیز و با رویکردی سیستمی، زمینه اجرای پروژه‌های انرژی خورشیدی فراهم شود.

وی ادامه داد: در کنار توسعه مزارع خورشیدی در مقیاس صنعتی، لازم است نگاه‌نامه منعقدشده میان شورای هماهنگی بانک‌های استان و نهادهای حمایتی، به‌ویژه کمیته امداد امام خمینی (ره)، برای نصب و راه‌اندازی پنل‌های خورشیدی در مناطق روستایی با جدیت پیگیری شود.

استاندار آذربایجان شرقی در بخش دیگری از سخنان خود، خواستار تسریع در تدوین برنامه عملیاتی ایجاد خط اعتباری استانی از سوی شورای هماهنگی بانک‌های استان برای دوگانه‌سوز کردن ناوایی‌ها شد.

وی همچنین تأکید کرد: اتحادیه ناوایی‌های استان باید نسبت به ثبت درخواست دریافت سوخت جایگزین در سامانه مربوطه اقدام کند و شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی نیز با ذخیره‌سازی سوخت، آمادگی لازم برای استفاده در شرایط اضطراری را فراهم سازد.

در این جلسه، مدیران شرکت برق منطقه‌ای، شرکت توزیع نیروی برق استان، شرکت توزیع برق شهرستان‌ها و شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی نیز گزارش عملکرد سه‌ماهه نخست سال جاری خود را در حوزه پدافند غیرعامل و مدیریت زیرساخت‌های حیاتی ارائه کردند.

طرح نو؛ گروه خبر
استاندار آذربایجان شرقی توسعه انرژی خورشیدی را بهترین راهکار مدیریت ناقرازی برق دانست و بر ارائه برنامه زمان‌بندی نصب پنل‌های خورشیدی در استان تأکید کرد.

بهرام سرمست در جلسه شورای پدافند غیرعامل آذربایجان شرقی با تأکید بر ضرورت تأمین پایدار برق پروژه‌های عمرانی استان، اظهار کرد: با توجه به اجرای پروژه بهسازی آزادراه تبریز-زنجان، برق کارخانه‌های تأمین‌کننده آسفالت این پروژه به هیچ عنوان نباید در طول اجرای عملیات قطع شود.

وی همچنین از شرکت برق منطقه‌ای، شرکت توزیع نیروی برق استان و شرکت توزیع برق شهرستان‌ها خواست در کوتاه‌ترین زمان ممکن، برنامه عملیاتی زمان‌بندی‌شده برای استقرار پنل‌های خورشیدی در بخش‌های مسکونی، تجاری و مجتمع‌های اداری در مناطق شهری و روستایی را ارائه کنند.

استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به ضرورت توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در استان، افزود: در شرایط کنونی، بهترین راهکار برای مدیریت ناقرازی برق، گسترش استفاده از انرژی خورشیدی است و باید از ظرفیت شهرک‌های صنعتی و واحدهای تولیدی برای افزایش تولید برق خورشیدی بهره گرفت
سرمست با بیان اینکه اجرای این طرح‌ها نیازمند

و فرآوری غذایی که یکی از ارکان مهم ارزش‌افزوده کشاورزی استان است، مدیریت انرژی یک ضرورت حیاتی است.

نادری افزود: ما از کارخانجات صنایع تبدیلی استان خواسته‌ایم تا با سرویس منظم تجهیزات، استفاده از ماشین‌آلات با رانندمان بالا و مدیریت دقیق مصرف در ساعات اوج بار، بهره‌وری خود را افزایش دهند. هر کیلووات صرفه‌جویی در این واحدها، گامی بلند برای جلوگیری از خسارات احتمالی به محصولات کشاورزی و تضمین زنجیره تأمین است.

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان در خصوص راهکارهای عملیاتی در بخش آبیاری تصریح کرد: بسیاری از پمپ‌های آب کشاورزی پتانسیل بالایی برای بهینه‌سازی دارند. برنامه‌ریزی هوشمند برای آبیاری در ساعات کم‌باری شبکه، علاوه بر کاهش فشار بر شبکه برق، موجب می‌شود تا هزینه تولید در هر هکتار کاهش یابد. ما معتقدیم تجهیزات سالم و مدیریت هوشمند، پشتوانه اصلی سودآوری تولیدکنندگان ماست.

مسئولیت همگانی برای عبور از پیک مصرف

رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر لزوم فرهنگ‌سازی گفت: در این مسیر، تمام مدیریت‌های جهاد کشاورزی شهرستان‌ها موظف به نظارت بر ساختمان‌های اداری و ترویج الگوهای مصرف در میان بهره‌برداران شده‌اند. خاموش کردن رایانه‌ها و روشنایی‌های غیرضروری پس از ساعت کاری، تنها یک اقدام کوچک است که در کنار مشارکت عمومی، تأثیرات بزرگی بر پایداری برق کشور خواهد داشت.

صادق نادری نیز در پایان با دعوت از تمامی فعالان حوزه کشاورزی برای مشارکت در این پوشش ملی تأکید کرد: امروز بخش کشاورزی استان با تکیه بر دانش فنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در کنار مردم و دولت ایستاده است تا تابستانی همراه با آرامش و تولید پایدار را رقم بزنیم. مدیریت مصرف انرژی، سرمایه‌گذاری برای آینده تولید در این مرز و بوم است.



به عنوان نخستین دستگاه اجرایی در استان و مجموعه وزارت جهاد کشاورزی به پوشش «۲۵ درجه» پیوسته است. این اقدام نه یک بخشنامه اداری، بلکه یک مسئولیت ملی و اجتماعی برای صیانت از منابع حیاتی کشور است.

شغیعی با تأکید بر نقش کلیدی بهره‌برداران در این عرصه خاطرنشان کرد: کشاورزان، گلخانه‌داران و دامداران ما امروز در صف مقدم تولید پایدار هستند. تنظیم دمای سیستم‌های سرمایشی روی ۲۵ درجه، سرویس منظم موتورهای الکتریکی و انتقال زمان آبیاری به ساعات کم‌باری شبکه، تأثیرات مستقیمی در کاهش هزینه‌های جاری و جلوگیری از خاموشی‌های ناخواسته دارد که در نهایت، امنیت غذایی سفره مردم را تأمین می‌کند.

حرکت به سمت کشاورزی کم‌مصرف و بهره‌ور

در ادامه این گفتگو، صادق نادری، معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی، با تمرکز بر راهکارهای فنی در بخش تولیدات گیاهی و صنایع وابسته، به خبرنگار مهر گفت: در بخش صنایع تبدیلی

پیام اقتصادی

سرمایه‌گذاری روی دانش، بهترین بازدهی را خواهد داشت.“

بنجامین فرانکلین

جنگ و همبستگی ملی؛ سهم مردم در دفاع از میهن

طرح نو؛ سردبیر در تاریخ پرفراز و نشیب ملت‌ها، جنگ‌ها همواره بیش از آنکه عرصه‌ی تقابل صرفِ ارتش‌ها باشند، آزمون‌ی برای سنجش «تاب‌آوری ملی» و «انسجام اجتماعی» بوده‌اند. در این میان، نقش مردم نه تنها به عنوان حامیان پشت جبهه، بلکه به عنوان ستون‌های استوار دفاع، نقشی حیاتی و غیرقابل جایگزین است. پیروزی در میدان‌های نبرد، پیش از آنکه در سنگرها رقم بخورد، در قلب جامعه و در اراده‌ی توده‌هایی شکل می‌گیرد که با حضور آگاهانه و ابتکارگرانه خود، تمام‌قد در برابر دشمن ایستاده‌اند. در واقع، جنگ پدیده‌ای است که تمام ابعاد زندگی یک ملت را درگیر می‌کند و مردم با ایفای نقش‌های متنوع، از پشتیبانی‌های لجستیکی گرفته تا حضور مستقیم در خط مقدم، سرنوشت نهایی نبرد را تعیین می‌کنند.

نخستین و ملموس‌ترین وجه مشارکت مردمی، «پشتیبانی» است. زمانی که صدای شیپور جنگ بلند می‌شود، جامعه به شبکه‌ای عظیم از ابتاار تبدیل می‌گردد. کمک‌های مالی، چه نقدی و چه غیرنقدی، نمادی از پیوند عمیق مردم با هدف دفاعی کشور است. مساجد، مدارس و خانه‌ها به کانون‌های جوششی تبدیل می‌شوند که اقلام مورد نیاز رزمندگان، از پوشاک و غذا گرفته تا دارو و تجهیزات اولیه را تأمین می‌کنند. این مشارکت اقتصادی، تنها یک ضرورت لجستیکی نیست، بلکه پیامی سیاسی است مبنی بر اینکه «این جنگ، جنگ تکتیک ماست». علاوه بر این، خدمات بهداشتی و درمانی در پشت جبهه توسط داوطلبان متخصص و غیرمتخصص، بار سنگینی را از دوش نظام سلامت در شرایط بحرانی برمی‌دارد. در دنیای امروز، «اطلاع‌رسانی صادقانه» نیز شکلی از پشتیبانی است؛ مردمی که با استفاده از ابزارهای ارتباطی، روایت صحیح وقایع را برای جهان تبیین می‌کنند، در واقع «خط مقدم رسانه‌ای» را مدیریت کرده و مانع از پیروزی دشمن در جنگ نرم می‌شوند.

با این حال، نقش مردم تنها در تدارکات و پشتیبانی خلاصه نمی‌شود؛ «مبارزه» در معنای اعم کلمه، ماهیت اصلی حضور مردم در صحنه است. حضور داوطلبانه در خطوط مقدم، تیلور اوج فداکاری است. رزمندگانی که از دل جامعه برخاسته و لباس دفاع بر تن می‌کنند، قدرت ارتش‌های کلاسیک را با «ایمان» و «انگیزه ملی» پیوند می‌زنند. حتی در مناطقی که در اشغال دشمن قرار می‌گیرند، این مردم هستند که با مقاومت پنهان، از تبدیل شدن اشغال به یک استقرار دائمی جلوگیری می‌کنند. مخفی کردن

رزمندگان، ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی بومی و کارشکنی در حرکت ماشین جنگی دشمن، ثابت می‌کند که یک ملت بیدار، هیچ‌گاه به طور کامل شکست‌خورده محسوب نمی‌شود. این مقاومت مدنی، پشتوانه‌ای برای نیروهای نظامی است و به دشمن می‌فهماند که پیروزی نظامی، لزوماً به معنای تسلط بر اراده‌ی یک ملت نیست. بخش سوم و شاید بنیادین‌ترین نقش مردم، «حفظ روحیه و انسجام اجتماعی» است. جنگ، فضایی از اضطراب، ناامنی و فقدان ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی، مردم با تکیه بر باورهای مذهبی، اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری و ایجاد محیطی برای همدلی، سنگر روانی جامعه را حفظ می‌کنند. حفظ وحدت در برابر تفرقه‌افکنی‌های دشمن، هنری است که در دوران جنگ به اوج می‌رسد. مردم با ایستادن کنار یکدیگر، یاری رساندن به خانواده‌های آسیب‌دیده و حفظ کرامت اجتماعی، از فروپاشی درونی جامعه جلوگیری می‌کنند. یکی از خطرناک‌ترین سلاح‌های دشمن در زمان جنگ، «شایعه‌سازی» است. اخبار نادرست، بزرگ‌نمایی مشکلات و القای یأس، ابزارهایی هستند که برای شکستن مقاومت یک ملت به کار می‌روند. مردم هوشیار، با فیلتر کردن این اخبار، رجوع به منابع معتبر و حفظ ثبات اخلاقی، در برابر این تهاجم روانی ایستادگی می‌کنند.

در نهایت، باید اذعان کرد که قدرت هر کشوری در زمان جنگ، تابع مستقیم میزان پیوند دولت و ملت است. جنگ زمانی به نفع یک ملت تمام می‌شود که مردم، دفاع را نه یک وظیفه‌ی اجباری، بلکه یک «رسالت تاریخی» ببینند. این مشارکت چندجانبه – یعنی پشتیبانی خردمندان، مبارزه‌ی شجاعانه و حفظ همبستگی درونی – همان «سرمایه‌ی اجتماعی» است که می‌تواند هر تهدیدی را به یک حماسه‌ی ماندگار تبدیل کند. تاریخ ملت‌های سربلند گواهی می‌دهد آنجا که اراده‌ی عمومی برای دفاع شکل گرفته، هیچ نیروی نظامی یا استراتژی جنگی خارجی نتوانسته است اراده‌ی یک ملت مصمم را در هم بشکند. در واقع، پیروزی در جنگ، محصول نهایی همین شبکه پیچیده و مقدس از مشارکت‌های مردمی است که مرزها را حفظ می‌کند و هویت ملی را در پرتو این مقاومت مشترک، صیقل می‌دهد و جلا می‌بخشد. آری، مردم، جان اصلی هر دفاعی هستند و این حقیقت، در تمامی دوران‌های تاریخی، ثابت و تغییرناپذیر باقی مانده است.

طرح نو؛ سردبیر

ایرانی‌هاست، در این دوران از حاشیه به متنِ دربار آمد. پادشاهان صفوی با ترویج نگارگری‌های بی‌ظنیر، شاهنامه‌خوانی و تجلیل از فردوسی، پیوندی میان «عرفان» و «سیاست» را در تاریخ ایران بازخوانی می‌کنیم. بزرگداشت شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تنها گرامیداشت یک عارف نامدار نیست؛ بلکه پاسداشت ریشه‌هایی است که درخت تنومند «ایران مدرن» از آن سیراب شد. برای درک جایگاه رفیع شیخ صفی، باید از پس قرن‌ها فترت و خلأ قدرت عبور کرد و به نقطه‌ای نگریست که صفویه، با تکیه بر میراث معنوی او، ققنوس‌وار از میان خاکسترهای تجزیه و گسست، برخاست و مفهوم «حکومت ملی» را پس از هزار سال بازتعریف کرد.

پس از فروپاشی پادشاهی‌های باستانی و غلبه‌ی خلافت‌های عربی و سپس تاخت‌وتاز قبایل بیابان‌گرد مغول و تیموری، ایران برای قرن‌ها از داشتن یک ساختار سیاسی واحد، متمرکز و مستقل محروم بود. در این دوره، ایران به ملوک‌الطوایفی‌های پراکنده تبدیل شده بود که هر گوشه‌اش را فرمانی متفاوت اداره می‌کرد. ظهور صفویه با اتکا به پایگاه اجتماعی خانقاه شیخ صفی‌الدین، نقطه عطفی بود که این رشته‌های از هم گسیخته را دوباره به هم پیوند زد. شاه اسماعیل اول، نه تنها یک فاتح، که یک معمار سیاسی بود که توانست برای نخستین‌بار پس از ساسانیان، دولتی را بر پایه «ایرانیّت» در کنار «مذهب تشیع» بنیان نهد. او به ایران «مرکزیت» بخشید و این مرکزیت، ضامن بقای ملی در برابر طوفان‌های سهمگین منطقه‌ای شد. یکی از جلوه‌های شگفت‌انگیز دوران صفوی، بازگشت پرشور به میراث حکمی و حماسی ایران است. برخلاف تصور رایج که صفویه را تنها دولتی مذهبی می‌پندارد، شاهان صفوی منش این سلسله، بیشترین ارادت را به «شاهنامه فردوسی» داشتند. شاهنامه، که شناسنامه هویتی

همزمان با سالروز بزرگداشت شیخ صفی الدین اردبیلی بررسی می‌شود:

صفویه معمار بنای استوار ایران نوین



میرانی برای امروز

بزرگداشت شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تنها یک آئین تاریخی نیست؛ بلکه تلنگری است برای امروز. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که هویت ملی بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید «فراموشی» و «بحران معنا» قرار دارد. صفویه به ما آموخت که ایران تنها با «جغرافیا» تعریف نمی‌شود؛ بلکه ترکیبی است از «اندیشه‌ی والا»، «هنر متعالی» و «شجاعت مرزبانی». آن‌ها به ما آموختند که می‌توان هم‌زمان هم عارف بود و هم سیاست‌مدار؛ می‌توان هم به میراث اسلامی پایبند بود و هم به شکوه باستانی شاهنامه بالید. آنچه صفویه برای ما به یادگار گذاشت، نه فقط ابنیه‌های با شکوه و مینیاتورهای سحرآمیز، بلکه «اعتمادبه‌نفس ملی» بود. آن‌ها به ایرانیان بعد از خود ثابت کردند که «فترت» پایان‌ناپذیر نیست و می‌توان با تکیه بر فرهنگ بومی و وحدت ملی، دوباره سر برآورد. شیخ صفی، در آن خانقاه ساده در اردبیل، بذری را افشاند که بعدها درخت تنومند ایران مستقل را سایه‌گستر کرد. امروز، در طوفان‌های متلاطم ژئوپلیتیک، ما بیش از هر زمان دیگری به بازخوانی همان مکتب صفوی نیازمندیم؛ مکتبی که «ایرانیّت» را نه در برابر «دیانت»، بلکه در کنار آن تعریف کرد تا تمدنی بزرگ، دوباره در پهنه‌ی تاریخ قد علم کند. تاریخ، قاضی عادل است؛ و صفویه، با وجود تمام فرازها و فرودهایش، برای همیشه به عنوان معماران «نظام ملی نوین ایران» در حافظه‌ی جمعی این ملت باقی خواهد ماند. گرامیداشت این روز، گرامیداشت آگاهی ملی و ارج نهادن به کسی است که زنجیر پیوند ما را با شکوه گذشته دوباره مستحکم کرد.

تغییر آرایش سیاسی ترکیه در سایه ظهور «حزب جدید»

و سیاست‌های خارجی او اثر می‌گذارد. بنابراین، سرنوشت «حزب جدید» تنها به فضای داخلی محدود نمی‌شود و بازیگران خارجی نیز با دقت تمام این روند را زیر نظر دارند. برای اردوغان، مدیریت این حزب جدید در کنار حفظ اتحاد درونی حزب حاکم، بزرگترین آزمون در سال‌های پایانی دوران طولانی زمامداری‌اش خواهد بود. در پایان، ظهور این حزب، آغازگر رقابتی است که نتیجه آن هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اگر «حزب جدید» بتواند در انتخابات آتی، پیامی وحدت‌بخش و برنامه عملیاتی مشخصی برای عبور از بحران‌های موجود ارائه دهد، می‌تواند اردوغان را با چالشی جدی مواجه کند. اما اگر این تحول صرفاً واکنشی به فشارهای قضایی باقی بماند، احتمال می‌رود که به ثبات نسبی دوران اردوغان تمایل دارند. در این میان، نقش نهادهای مدنی و رسانه‌ها برای روشنگری در این فضای غبارآلود، حیاتی‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد تا از تبدیل شدن این رقابت به تقابل‌های مخرب ملی جلوگیری شود.

تحکیم موقعیت خود و جلوگیری از شکل‌گیری یک جبهه متحد ضدحکومتی است. با این وجود، فضای اجتماعی ترکیه اکنون به شدت دوقطبی است و مشکلات اقتصادی، تورم بی‌سابقه و کاهش قدرت خرید مردم، نارضایتی‌ها را به لایه‌های مختلف جامعه کشانده است. وضعیت کنونی اپوزیسیون ترکیه، ترکیبی از ناامیدی و در عین حال اراده‌ای برای بازسازی است. تشکیل «حزب جدید» تلاشی برای عبور از بن‌بست‌های قانونی و قضایی است که حزب پیشین با آن مواجه بود. اما این موفقیت تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که آن‌ها بتوانند فراتر از اختلافات شخصی و درونی، پاسخی قانع‌کننده به مطالبات معیشتی جامعه ارائه دهند. در غیر این صورت، این انشعاب می‌تواند تنها به پراکندگی بیشتر آرا و هدر رفتن سرمایه سیاسی مخالفان منجر شود. جامعه ترکیه در دوره‌های گذار تاریخی، همواره نشان داده که به دنبال تغییرات ساختاری است اما در عین حال، به شدت نسبت به ناپایداری‌های ناشی از تغییرات سریع، حساس و محتاط است.

در سطح ژئوپلیتیک نیز، هرگونه تحول در ترکیه برای متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. استقرار نظام سیاسی ترکیه و جهت‌گیری‌های داخلی آن، مستقیماً بر تعاملات این کشور با اتحادیه اروپا، ایالات متحده و قدرت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار است. حضور یک اپوزیسیون قوی یا متفرق، مستقیماً بر مانورهای دیپلماتیک اردوغان



به عنوان رقیب اصلی حزب حاکم تثبیت می‌کند؛ اما واقعیت سیاسی در ترکیه نشان می‌دهد که مسیر پیش رو برای آن‌ها بسیار هموار نیست. حزب عدالت و توسعه با تکیه بر ۲۷۷ کرسی پارلمان و بدنه اجتماعی منسجم و قدرتمند، خلاهای ایجاد شده در اپوزیسیون سکولار را پر کند یا خود درگیر اختلافات داخلی و تضعیف بیشتر بدنه رای مخالفان خواهد شد. تبدیل شدن «حزب جدید» به دومین حزب بزرگ پارلمان، دست‌کم از نظر تنوریک، جایگاه آن‌ها را

رقبای قدرتمند حاکمیت تعبیر شده و همین امر، انگیزه‌ای مضاعف برای شکل‌گیری این تشکل سیاسی فراهم کرده است. با این حال، پرسش اصلی اینجاست که آیا «حزب جدید» می‌تواند به عنوان یک نیروی منسجم و قدرتمند، چالهای ایجاد شده در اپوزیسیون سکولار را پر کند یا خود درگیر اختلافات داخلی و تضعیف بیشتر بدنه رای مخالفان خواهد شد. تبدیل شدن «حزب جدید» به دومین حزب بزرگ پارلمان، دست‌کم از نظر تنوریک، جایگاه آن‌ها را

طرح نو؛ سردبیر

تحولات اخیر در صحنه سیاسی ترکیه، نشان‌دهنده ورود این کشور به فصلی تازه و پرچالش از رقابت‌های قدرت است. اعلام موجودیت «حزب جدید» توسط اوزگور اوزل و جمعی از نمایندگان جدا شده از حزب جمهوری‌خواه خلق، نه تنها یک انشعاب ساده در جناح اپوزیسیون، بلکه بازتاب‌دهنده شکاف‌های عمیقی است که ساختارهای سیاسی ترکیه را در سال‌های اخیر به لرزه درآورده است. این رویداد، در بستری از فشارهای قضایی و محدودیت‌های گسترده بر فعالیت احزاب منتقد رقم خورده و پیامدهای آن، موازنه قدرت در پارلمان و فضای عمومی کشور را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. برای درک چرایی این تحول، باید به تقابل دیرینه میان جریان‌های سکولار و حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان نگریست که اکنون با ورود بازیگران جدید، وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر شده است.

تصمیم اوزگور اوزل و همکارانش برای تاسیس «حزب جدید» بلافاصله پس از ابطال کنگره حزب جمهوری‌خواه خلق و عزل قضایی او، پیامی روشن به اردوغان و هوادارانش با این عنوان داشت که مخالفان و وجود تمام فشارها و برخورد‌های قانونی، قصد ندارند عرصه سیاسی را به طور کامل ترک کنند. و به دنبال فضایی جدید برای سازماندهی نیروهای خود هستند. احکام قضایی علیه رهبران اپوزیسیون، در افکار عمومی ترکیه به عنوان ابزاری برای تضعیف

دختران تبریزی به دنبال رویای پشت دستکش‌ها



طرح‌نو؛ گروه ورزش صدای برخورد دستکش‌ها، اضطراب پیش از مسابقه و تشویق‌های آرام مربیان، فضای سالن بوکس گنجویان تبریز را پر کرده است. دختران نوجوان و جوان با وجود عمر کوتاه فعالیت رسمی بوکس بانوان در استان، برای رسیدن به پیراهن تیم استان و سکوهای ملی مبارزه می‌کنند.

صدای برخورد دستکش‌ها به کیسه بوکس، آخرین توصیه‌های مربیان و نگاه‌های مضطرب دخترانی که منتظر آغاز مسابقه هستند، فضای سالن بوکس گنجویان ششگلان تبریز را متفاوت کرده است.

دختران با لباس‌های رنگارنگ و چهره‌هایی پر از شور و هیجان وارد سالن می‌شوند. موهای بافته‌شده‌ای که از زیر شال و مقنعه‌ها نمایان است، هنوز از دنیای دخترانه‌شان حکایت می‌کند.

این دخترها چند دقیقه بعد با پوشیدن لباس‌های آبی و قرمز مسابقه و بستن دستکش‌ها، آماده ورود به رینگ می‌شوند. دیگر خبری از تردید نیست و تنها رقابت معنا پیدا می‌کند.

برخی لباس ورزشی مشکی بر تن دارند و برخی دیگر، روی آن، لباس‌های مخصوص مسابقه را پوشیده‌اند. سالن تنها یک رینگ دارد؛ همان رینگی که قرار است امروز شاهد رقابت حدود ۷۰ بوکسور نوجوان و جوان از تبریز باشد.

در گوشه‌ای از سالن، مادران با نگرانی مسابقات را دنبال می‌کنند. مربیان نیز تا آخرین لحظه کنار شاگردانشان ایستاده‌اند. گاهی تکنیکی را یادآوری می‌کنند و گاهی فقط با چند جمله، تلاش می‌کنند اضطراب را از چهره ورزشکاران دور کنند.

پیش از آغاز رقابت‌ها، دختران حتی در گرم کردن هم تنها نیستند. هر کدام نقش مربی هم‌تیمی خود را برعهده گرفته است. یکی ضربات را یادآوری می‌کند، دیگری شرایط دوری را تمرین می‌دهد.

میان همه‌هم سالن، گفت‌وگوهای کوتاهی هم شنیده می‌شود. یکی آرام می‌گوید: «می‌ترسم.... حریفم خیلی قدرتمنده.» چند قدم آن‌طرف‌تر، دختری دیگر با اعتماد به نفس از برنامه‌اش برای مسابقه می‌گوید: «حریفم را دیدم، می‌توانم با یک ضدمحمله غافلگیرش کنم.»

دقایقی بعد، پزشک مسابقات وارد سالن می‌شود. ورزشکاران پشت سر هم در صف معاینه می‌ایستند تا پس از تایید پزشکی، رقابت‌ها رسماً آغاز شود.

پشت در سالن نیز مردی با حسرت ایستاده است؛ پدر یکی از ورزشکاران که خودش سال‌ها مربی بوکس بوده اما اجازه ورود به بخش مسابقات بانوان را ندارد. می‌گوید: «سال‌هاست دخترم را خودم تمرین می‌دهم، امروز او را آورده‌ام تا فضای مسابقه را

از نزدیک ببیند و تجربه کسب کند، اما فقط از پشت در می‌توانم پیگیر رقابت‌ها باشم.»

دقایقی بعد صدای تشویق از داخل سالن بلند می‌شود. یکسوی بازیکن قرمزپوش و یک سوی‌دیگر بازیکن آبی پوش. صدای داور سفیدپوش شنیده می‌شود؛ «بوکس».

رئیس هیات بوکس آذربایجان شرقی معتقد است مسیر بوکس بانوان در استان، با وجود نوپا بودن، امیدوارکننده آغاز شده است. ناصر جعفرزاده در حاشیه برگزاری این مسابقات، گفت‌وگو با ایرنا، اظهار می‌کند: فعالیت رسمی بوکس بانوان از دی‌ماه ۱۴۰۴ و همزمان با آغاز مسئولیت هیات جدید در تمامی رده‌های سنی آغاز شد و تاکنون چهار مرحله اعزام به مسابقات کشوری انجام شده که حاصل آن کسب ۶ مدال بوده است.

وی با اشاره به برگزاری نخستین مسابقات انتخابی امروز بوکس بانوان تبریز، می‌افزاید: این رقابت‌ها با حضور حدود ۷۰ ورزشکار در رده‌های نونهالان، نوجوانان و جوانان برگزار می‌شود و همزمان نامه زده‌ایم تا مسابقات انتخابی در شهرستان‌ها نیز برگزار شود. تا پایان شهریورماه، تیم‌های استان برای حضور در مسابقات کشوری تکمیل خواهند شد.

جعفرزاده با بیان این‌که استقبال از بوکس بانوان فراتر از انتظار بوده است، می‌گوید: حتی بدون اطلاع‌رسانی گسترده نیز استقبال خوبی از این رشته انجام گرفته که نشان‌دهنده ظرفیت بالای آن در میان دختران استان است.

وی ادامه می‌دهد: نگاه جامعه نسبت به بوکس بانوان تغییر کرده و امروز این رشته علاوه بر ارتقای آمادگی جسمانی، در افزایش اعتماد به نفس، سلامت روان و حضور اجتماعی دختران نیز نقش موثری دارد.

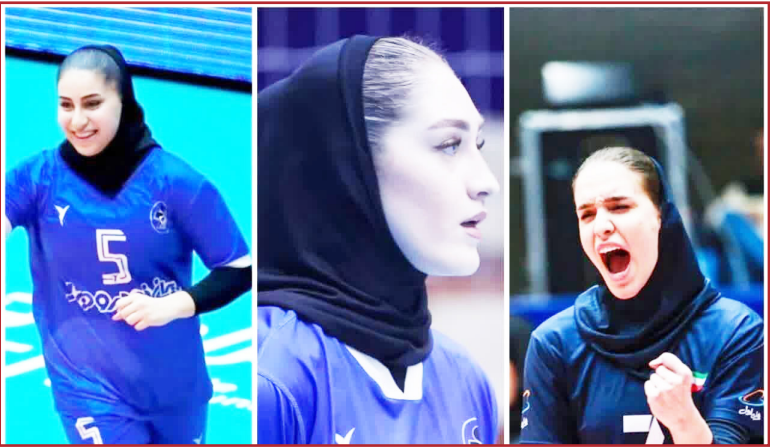
رئیس هیات بوکس آذربایجان شرقی از ساماندهی باشگاه‌های فعال نیز خبر می‌دهد و می‌گوید: تلاش کرده‌ایم فعالیت بوکس بانوان تنها در باشگاه‌های دارای مجوز و زیر نظر هیات انجام شود تا امنیت و سلامت ورزشکاران تضمین شود و از فعالیت مراکز غیرمجاز جلوگیری شود.

وی با اشاره به آمار ورزشکاران استان، می‌افزاید: اکنون سه هزار و ۷۰۰ ورزشکار بیمه‌شده در بوکس آذربایجان شرقی داریم و برآورد می‌کنیم که بیش از ۶۰۰ نفر از بانوان استان در این رشته فعال هستند.

جعفرزاده از برگزاری دوره‌های آموزشی برای تربیت داوران و مربیان زن خبر می‌دهد و می‌گوید: هدف ما این است که علاوه بر توسعه زیرساخت‌ها، جایگاه بوکس بانوان آذربایجان شرقی را در کشور ارتقا دهیم و در آینده جزو سه استان برتر ایران باشیم. وی از اجرای طرح استعدادیابی تابستانی نیز خبر داده و می‌افزاید:

خبر

سه والیبالیست آذربایجان شرقی در اردوی تیم ملی بانوان



طرح‌نو؛ گروه ورزش «آینک سلامت»، «هستی واحدی» و «شقایق حسن‌خانی»، سه والیبالیست اهل آذربایجان شرقی در اردوی تیم ملی والیبال بانوان بزرگسال ایران حضور دارند. این اردو با حضور ملی‌پوشان منتخب در تهران برگزار می‌شود و سه نماینده آذربایجان‌شرقی نیز با هدف آماده‌سازی و حضور در برنامه‌های تیم ملی، در این مرحله از تمرینات شرکت دارند. آیتک سلامت متولد ۱۱ دی ۱۳۷۹ در تبریز است که در سال ۱۳۹۵ به عنوان کاپیتان تیم ملی والیبال نوجوانان دختر ایران در مسابقات قهرمانی آسیا در چین حضور داشت و توانست تجربه ارزشمندی در عرصه بین‌المللی کسب کند.

این والیبالیست تبریزی در سال ۱۳۹۶ نیز بازویند کاپیتانی تیم ملی والیبال زنان ایران را بر بازو بست و به عنوان بازیکن پشت‌خط‌زن اسمال نیز به اردوی تیم ملی دعوت شده است. هستی واحدی نیز بازیکن جوان و خوش آتیه استان است که در تیم‌های ملی زیر ۱۶ سال، زیر ۱۸ سال و زیر ۲۰ سال حضور داشته و مدتی است که تیم ملی بزرگسالان را نیز همراهی می‌کند.

شقایق حسن خانی، دیگر بازیکن جوان استان است که ابتدا در تیم‌های پایه آذربایجان شرقی فعالیت داشت و از پایه توانست توانایی خود را ثابت کند و سپس با حضور در تیم ملی نوجوانان و جوانان، تجربه بین‌المللی خود را افزایش داد

طرح‌نو؛ یونس نهاری امیرحسین شاهی و مهلا پورفلاح، دو ملی‌پوش شایسته استان، به همراه تیم‌های ملی هاکی ۵ چمنی زیر ۱۸ سال پسران و دختران ایران، برای حضور در مسابقات قهرمانی جوانان آسیا و انتخابی جام جهانی راهی مسقط عمان شدند. این رقابت‌ها به مدت ۵ روز تا ۴ مرداد برگزار می‌شود و تیم‌های ملی دختران و پسران ایران برای نخستین بار در تاریخ هاکی کشور در این مسابقات حضور خواهند یافت. همچنین، بر اساس اعلام فدراسیون هاکی، تمامی بازیکنان اعزامی از میان برترین استعدادهای رقابت‌های «مستعدین کشوری» انتخاب شده‌اند.

خبر

دو ملی‌پوش استان راهی رقابت‌های قهرمانی جوانان آسیا شدند



شکاف مالی میان باشگاه‌هاست؛ باشگاه‌هایی که از منابع مالی محدودتری برخوردارند، عملاً توان رقابت برای جذب بازیکنان شاخص را از دست خواهند داد و رقابت لیگ بیش از گذشته به چند تیم متمول محدود می‌شود. از سوی دیگر، افزایش بی‌ضابطه دستمزدها، انتظارات مالی سایر بازیکنان را نیز بالا می‌برد و به مرور زمان نرخ قراردادهای در کل بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ حتی برای بازیکنانی که هنوز کارنامه بین‌المللی قابل توجهی ندارند.

با این حال، اگر روند افزایش دستمزدها بدون تناسب با عملکرد فنی و نتایج مالی ادامه پیدا کند، فشار مالی بر باشگاه‌ها افزایش خواهد یافت، فاصله میان تیم‌های ثروتمند و سایر باشگاه‌ها بیشتر می‌شود و در نهایت، بازاری شکل می‌گیرد که در آن ارزش مالی بازیکنان بیش از آنکه بر پایه عملکرد داخل زمین باشد، تحت تأثیر عنوان «ملی‌پوش» بودن تعیین می‌شود؛ عنوانی که به باور برخی مدیران باشگاه‌ها، امروز بیش از هر زمان دیگری به موتور محرک تورم در بازار نقل‌وانتقالات والیبال ایران تبدیل شده است. در عین حال باید توجه داشت که ساختار اقتصادی باشگاه‌های ایران با باشگاه‌های حرفه‌ای دنیا تفاوت اساسی دارد. در بسیاری از کشورهای صاحب والیبال، باشگاه‌ها بر پایه درآمدزایی، سود و زیان اداره می‌شوند و هزینه‌های خود را بر اساس منابع مالی واقعی تنظیم می‌کنند، اما در ایران عمده باشگاه‌ها با حمایت اسپانسرها، شرکت‌های صنعتی، مجموعه‌های دولتی یا بخش خصوصی علاقمند به ورزش اداره می‌شوند و خود ورزش درآمد پایدار برای آنها ایجاد نمی‌کند.

توان قراردادهای نجومی را والیبال می‌دهد

در چنین شرایطی، ادامه روند افزایش بی‌رویه دستمزدها می‌تواند باشگاه‌ها را برای ادامه تیمداری با تردید مواجه کند. وقتی هزینه جذب بازیکنان هر سال با شیبی تندتر از توان مالی باشگاه‌ها افزایش پیدا کند، طبیعی است که برخی حامیان مالی یا مجموعه‌های صنعتی، ادامه حضور در لیگ برتر را فاقد توجیه اقتصادی بدانند و از تیمداری انصراف دهند. در نهایت، این فقط باشگاه‌ها نیستند که ضرر می‌کنند بلکه والیبال ایران آسیب می‌بیند؛ چرا که ممکن است تعداد تیم‌های لیگ کمتر شود، کیفیت مسابقات افت کند و سرمایه‌گذاری در این رشته کاهش پیدا کند. / مهر



یدک نمی‌کشید، دستیابی به آن چندان محتمل نبود. این در حالی است که تیم ملی ایران در لیگ ملت‌ها تنها توانست انتظارات را برآورده کند، بلکه با سه پیروزی و ۹ شکست در جایگاه چهاردهم قرار گرفت و سپس در رنکینگ جهانی نیز تا رتبه نوزدهم سقوط کرد؛ جایگاهی که از کم‌سابقه‌ترین رتبه‌های والیبال ایران در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. حتی پیش از آغاز دوران طلایی والیبال ایران نیز تیم ملی معمولاً در جمع ۱۸ تیم برتر جهان حضور داشت و سقوط به رده نوزدهم، از افت محسوس جایگاه بین‌المللی این رشته حکایت دارد.

تورم قراردادهای تهدیدی برای آینده لیگ برتر

ادامه این روند می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای والیبال باشگاهی ایران به همراه داشته باشد. نخستین نتیجه، افزایش

چهار برابر افزایش می‌دهد؛ اتفاقی که به اعتقاد او در سال‌های گذشته سابقه نداشت.

تفاوت امروز والیبال ایران با دوران ولاسکو

در سال‌های حضور خولیو ولاسکو روی نیمکت تیم ملی، ساختار تیم‌های ملی «الف» و «ب» باعث شده بود رقابت برای رسیدن به پیراهن تیم ملی بسیار فشرده باشد. در آن مقطع، سعید معروف پاسور اول تیم ملی بود و بازیکنانی مانند امیر حسینی، علیرضا بهبودی و مهدی مهدوی برای قرار گرفتن در جایگاه پاسور دوم رقابت نزدیکی با یکدیگر داشتند.

همین رقابت سنگین باعث می‌شد بازیکنان برای حفظ جایگاه خود، همواره عملکرد فنی بالایی ارائه دهند و صرف حضور در اردوهای تیم ملی، تضمینی برای افزایش ارزش یا رقم قرارداد آنها نباشد. در چنین شرایطی، تعدد دعوت از بازیکنان به اردوهای تیم ملی به یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش قیمت‌ها در بازار نقل‌وانتقالات والیبال تبدیل شده است؛ موضوعی که باعث شده در بسیاری از موارد، صرف قرار گرفتن نام یک بازیکن در فهرست تیم ملی، بیش از عملکرد فنی او بر ارزش قراردادش اثر بگذارد.

تورم ۸۰ درصدی، قراردادهای ۵۰۰ درصدی!

البته نمی‌توان نقش شرایط اقتصادی و تورم را در افزایش قراردادها نادیده گرفت. افزایش نرخ ارز و رشد هزینه‌های زندگی، طبیعتاً بر دستمزدهای بازیکنان و مربیان نیز اثرگذار است، موضوعی که مدیرعامل باشگاه شهداب هم به آن اشاره می‌کند اما با این حال او معتقد است میزان افزایش قراردادها با واقعیت‌های اقتصادی همخوانی ندارد.

او می‌گوید اگرچه نرخ ارز نسبت به سال گذشته حدود ۸۰ درصد رشد کرده، اما درخواست افزایش ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصدی برخی بازیکنان، قابل توجهی نیست. به اعتقاد او، با همین مبالغی

گزارش

پشت پرده دستمزدهای نجومی در والیبال ایران

طرح‌نو؛ گروه ورزش

بازار نقل‌وانتقالات والیبال در حالی داغ شده که تیم ملی پس از یکی از ضعیف‌ترین نتایج سال‌های اخیر، تنها با دعوت بازیکنان به اردو، زمینه افزایش چندبرابری قرارداد ملی‌پوشان را فراهم کرده است.

فصل جدید لیگ برتر والیبال ایران از اواخر مهرماه و پس از پایان بازی‌های آسیایی ناگویی آغاز می‌شود، اما بازار نقل‌وانتقالات این رقابت‌ها حساسی داغ شده است. این در حالی است که عملکرد تیم ملی در لیگ ملت‌های والیبال، تناسبی با ارقام نجومی قراردادهای اسمال ندارد.

تیم ملی ایران در لیگ ملت‌های ۲۰۲۶ تنها سه پیروزی به دست آورد، ۹ بار شکست خورد و در رده چهاردهم قرار گرفت. همچنین با سقوط به رتبه نوزدهم رنکینگ فدراسیون جهانی والیبال، یکی از ضعیف‌ترین جایگاه‌های سال‌های اخیر خود را تجربه کرد. با وجود این نتایج، دستمزدهای برخی بازیکنان داخلی در بازار نقل‌وانتقالات با افزایش چندصدها درصدی روبه‌رو شده است.

جهش دستمزدها پس از دعوت به تیم ملی

این تناقض، پرسش مهمی را ایجاد کرده است؛ چرا در شرایطی که عملکرد تیم ملی روندی نزولی داشته، ارزش قرارداد بازیکنان با چنین سرعتی افزایش یافته است؟ امیر شرافت، مدیرعامل باشگاه شهداب یزد، یکی از مهم‌ترین دلایل این اتفاق را نحوه دعوت بازیکنان به اردوهای تیم ملی می‌داند.

به گفته او، امروز حدود ۷۰ تا ۸۰ بازیکن به اردوهای تیم ملی دعوت می‌شوند و همین دعوت، بدون توجه به میزان حضور یا تأثیرگذاری بازیکن در مسابقات رسمی، به ابزاری برای افزایش چندبرابری رقم قراردادهای تبدیل شده است. او معتقد است هر بازیکنی که نامش در فهرست دعوت‌شدگان تیم ملی قرار می‌گیرد، هنگام مذاکره با باشگاه‌ها رقم قرارداد خود را سه تا

عاشورا از دامان یک مادر آغاز شد

فرزندان حضرت زهرا(س)، نقش مادری را نه در رقابت، بلکه در خدمت به آنان تعریف می‌کند.

بانویی که پیش از مادر عباس بودن، مادر حسن و حسین(ع) شد

یکی از زیباترین بخش‌های کتاب، پرداختن به رابطه ام‌البینین(س) با امام حسن(ع) و امام حسین(ع) است. در روایت رجاء بیطار، ام‌البینین از همان نخستین روزهای حضور در خانه امیرالمؤمنین(ع)، خود را خدمتگزار فرزندان حضرت زهرا(س) می‌داند. او حتی از امام علی(ع) می‌خواهد که او را «فاطمه» صدا زنند؛ زیرا شنیدن این نام، یاد مادر را برای حسن و حسین(ع) زنده می‌کند و دل آنان را می‌شکند. این روایت، اگرچه کوتاه است، اما شخصیت ام‌البینین را به‌خوبی معرفی می‌کند؛ زنی که جایگاه خود را در محبت به اهل‌بیت(ع) تعریف می‌کند و همین نگاه، بعدها در تربیت فرزندانش نیز نمود پیدا می‌کند. کتاب به‌خوبی نشان می‌دهد که حضرت عباس(ع) پیش از آنکه در کربلا علمدار شود، در خانه‌ای رشد کرده که محبت به امام زمان، مهم‌ترین اصل آن بوده است.

عباس(ع) چگونه عباس شد؟

یکی از پرسش‌هایی که کمتر در آثار عاشورایی به آن پاسخ داده شده، این است که حضرت عباس(ع) چگونه به شخصیتی با آن عظمت تبدیل شد؟ «حسینم کو؟» تلاش می‌کند پاسخ این سؤال را در سال‌های کودکی و نوجوانی عباس(ع) جست‌وجو کند. رجاء بیطار، با روایت‌هایی کوتاه اما تأثیرگذار، از شیوه تربیت ام‌البینین(س)، رفتار او با فرزندان و احترام ویژه‌ای که نسبت به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به آنان می‌آموخت، سخن می‌گوید. در این روایت، حضرت عباس(ع) قهرمانی نیست که ناگهان در روز عاشورا متولد شود؛ بلکه انسانی است که سال‌ها در مکتب مادری مؤمن، بصیر و ولایت‌مدار پرورش یافته‌است.

همین نگاه، یکی از مهم‌ترین امتیازهای کتاب به شمار می‌رود؛ زیرا عاشورا را نتیجه یک تربیت طولانی معرفی می‌کند، نه صرفاً تصمیمی در یک روز.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
واقعۀ عاشورا بارها از منظر تاریخی روایت شده، اما کتاب «حسینم کو؟» نوشته رجاء بیطار، با نثری ادبی و روایتی عاطفی، می‌کوشد مخاطب را از مرز روایت تاریخ عبور دهد.

بسیاری از کتاب‌هایی که درباره عاشورا نوشته شده‌اند، روایت خود را از روز دهم محرم آغاز می‌کنند؛ از هنگامه نبرد، از عطش، از شهادت و از حماسه. اما پیش از آن روز، سال‌ها تربیت، صبر، ایمان و مادری نهفته است؛ سال‌هایی که اگر دیده نشوند، فهم عاشورا نیز ناقص خواهد ماند. کتاب «حسینم کو؟» نوشته رجاء بیطار با ترجمه معصومه سال‌افزون، دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌کند؛ از زندگی بانویی که ناشی بیش از هر چیز با حضرت عباس(ع) گره خورده، اما نقش او در شکل‌گیری حماسه کربلا بسیار فراتر از مادرِ علمدار بودن است.

این کتاب، روایت زندگی حضرت ام‌البینین(س) است؛ بانویی که نویسنده تلاش کرده او را نه در سایه واقعۀ عاشورا، بلکه به‌عنوان شخصیتی مستقل، تأثیرگذار و تربیت‌کننده‌نسلی از بزرگ‌ترین قهرمانان تاریخ اسلام معرفی کند. از کودکی و ازدواج با امیرالمؤمنین(ع) تا روزهای سخت پس از عاشورا، «حسینم کو؟» سفری است به زندگی زنی که ناشی با صبر، وفاداری و ولایت‌مداری پیوند خورده است.

روایتی که پیش از کربلا آغاز می‌شود

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب، فاصله گرفتن از روایت‌های مرسوم عاشورایی است. رجاء بیطار، داستان را از میدان نبرد آغاز نمی‌کند؛ بلکه مخاطب را سال‌ها به عقب می‌برد؛ به روزگار فاطمه بنت حزام، بانویی از خاندان بنی‌کلاب که به نجات، شجاعت و پاکدامنی شهرت داشت.

نویسنده با نثری روان و ادبی، خواننده را با فضای زندگی این بانوی بزرگ همراه می‌کند. از خانواده و ویژگی‌های اخلاقی او می‌گوید و سپس به ازدواجش با امیرالمؤمنین علی(ع) می‌رسد؛ ازدواجی که سرآغاز فصل تازه‌ای از زندگی او و تاریخ اسلام است.

در این بخش، کتاب تنها به نقل وقایع تاریخی بسنده نمی‌کند، بلکه تلاش دارد شخصیت ام‌البینین(س) را برای مخاطب امروز ملموس کند؛ زنی که با آگاهی از جایگاه



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
در شرایطی که افت مهارت‌های خواندن به یکی از دغدغه‌های نظام‌های آموزشی تبدیل شده است، گروهی از نویسندگان و متخصصان آموزش سواد خواندن بر این باورند که علاقه به مطالعه با اجبار شکل نمی‌گیرد؛ بلکه از دل تجربه‌های خوشایند، انتخاب آزاد و همراهی والدین با دنیای کتاب متولد می‌شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از پرنس، بسیاری از خانواده‌ها در تلاش‌اند فرزندان خود را دوباره به کتاب و مطالعه نزدیک کنند. اما کارشناسان تأکید می‌کنند هدف نباید صرفاً انجام تکالیف درسی باشد؛ بلکه باید بدر علاقه‌ای پایدار به خواندن در ذهن کودک کاشته شود؛ علاقه‌ای که بتواند در سال‌های آینده نیز همراه او بماند. در همین راستا، پنج نویسنده و

مقاله



عباس محبوبش، بود و آخرین پرتو خورشیدش خبر از غروب می‌داد. او می‌خواست یقین کند که فرزندش به مقصود خود رسیده و هرگز در راهش دچار لغزش نشده است از این رو، زینب از ادامه دادن سخن خود دریغ نکرد. شاید در چشم‌های ام‌البینین سؤالی دیگر می‌دید گویی در پاسخ به او می‌گفت: « مادر، ابالفصل به تسلی دادن برادرش با دو فرزندش اکتفا نکرد، بلکه برادرانش را نیز دعوت کرد.»

شاید زینب برای مدتی سکوت کرد... شاید خون در رگ‌های ام‌البینین منجمد شد و نفس‌هایش به شماره افتادند. زینب به سرعت متوجه او شد و پرسید می‌دانستی ام‌البینین، آن شمر ملعون امان نامه‌ای از این زیاد برای عباس و برادرانش آورد به بهانه اینکه از دایی‌هایشان است؟!

شاید ام‌البینین با کف دست به سینه‌اش کوبید، در حالی که سرش را با خجالت و اضطراب پایین انداخته بود، گفت: بانوی من، من هرگز از انتساب به بنی کلاب شرمندۀ نبودم مگر وقتی دانستم این سگ پیس از آن‌هاست. وای بر من وای بر خاندان ون‌سم! این ملعون لعنت‌شده از فرزندانم چه می‌خواهد؟!

شاید زینب به ام‌البینین نزدیک شد تا او را دلداری دهد و از اندوهش بکاهدو گفت:«غصه‌نخور!ام‌البینین، فقط خداوند پابلیدی را از پاکی بیرون می‌آورد. در خاندان و نسب تو عیبی نیست»

کتاب«حسینم کو؟» نوشته رجاء محمد بیطار و با ترجمه معصومه سال افزون در ۶۱۰صفحه و از سوی انتشارات سوره مهر به تازگی منتشر شده است. / مهر

می‌دهد چگونه یک مادر می‌تواند در شکل‌گیری بزرگ‌ترین حماسه تاریخ اسلام نقش آفرین باشد.

ترجمه معصومه سال‌افزون یکی دیگر از نقاط قوت این اثر است. مترجم توانسته فضای احساسی و ادبی متن عربی را به زبان فارسی منتقل کند، بدون آنکه متن دچار پیچیدگی یا سنگینی شود. همین ویژگی باعث شده کتاب برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان، از نوجوانان تا بزرگسالان، خواندنی باشد.

شاید مهم‌ترین ویژگی «حسینم کو؟» این باشد که عاشورا را تنها در میدان کربلا جست‌وجو نمی‌کند. این کتاب نشان می‌دهد پیش از آنکه حضرت عباس(ع) در کنار فرات ایستادگی کند، سال‌ها در دامان مادری رشد کرده بود که ولایت را بر همه چیز مقدم می‌دانست؛ مادری که فرزندانش را برای خود نمی‌خواست، بلکه آنان را برای امام زمانشان تربیت کرده بود.

از همین رو، «حسینم کو؟» فقط روایت شهادت نیست؛ روایت تربیت است، روایت مادری است و روایت ایمانی که نسل می‌سازد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

صبر ام‌البینین و تسلی‌بخشیدش زیبا بود. آنچه می‌دید و تجربه می‌کرد بیان می‌کرد. هر مصیبتی جز مصیبت حسین را ناچیز می‌شمرد، حتی اگر از دست دادن عزیزش لبابه، همسر

عاشورا از نگاه مادری که همه چیزش را بخشید
وقتی روایت به واقعۀ عاشورا می‌رسد، زاویه دید کتاب همچنان متفاوت باقی می‌ماند. در اینجا نیز نویسنده به دنبال بازآفرینی صحنه‌های نبرد نیست؛ بلکه تلاش می‌کند عاشورا را از چشم‌های مادری روایت کند که چهار فرزند خود را راهی میدان کرده است.

ام‌البینین(س) در این کتاب، نماد صبری است که از ایمان سرچشمه می‌گیرد. او فرزندانش را نه برای خود، بلکه برای یاری امام حسین(ع) تربیت کرده است. عنوان کتاب نیز به همین حقیقت اشاره دارد؛ «حسینم کو؟» جمله‌ای است که در فرهنگ شیعه، پیش از هر چیز یادآور آن است که برای ام‌البینین، سرنوشت امام حسین(ع) بر خبر شهادت فرزندانش مقدم بود. رجاء بیطار با پرداختی عاطفی و ادبی، این مفهوم را به یکی از ستون‌های اصلی روایت تبدیل کرده است. «حسینم کو؟» بیش از آنکه اثری پژوهشی باشد، کتابی ادبی است. نویسنده با بهره‌گیری از توصیف‌های شاعرانه، گفت‌وگوهای احساسی و فضاسازی‌های لطیف، تلاش می‌کند مخاطب را از یک خواننده صرف به همراه شخصیت‌ها تبدیل کند.

نثر کتاب ساده، روان و خوش‌خوان است، اما در بسیاری از بخش‌ها رنگ و بوی ادبی دارد. توصیف احساسات شخصیت‌ها، تصویرسازی از فضاها و توجه به جزئیات عاطفی، سبب شده اثر برای مخاطبانی که به ادبیات آیینی علاقه دارند، جذاب باشد.

البته همین ویژگی باعث می‌شود کتاب بیش از آنکه اثری تحلیلی درباره تاریخ عاشورا باشد، روایتی احساسی و معنوی از آن به شمار رود.

ام‌البینین؛ قهرمانی که کمتر درباره او نوشته شده است

یکی دیگر از امتیازهای کتاب، انتخاب شخصیتی است که در ادبیات داستانی کمتر به او پرداخته شده است. اگرچه درباره حضرت عباس(ع) و واقعۀ عاشورا آثار فراوانی منتشر شده، اما زندگی حضرت ام‌البینین(س) کمتر محور یک روایت مستقل قرار گرفته‌است.

رجاء بیطار با انتخاب این زاویه، تلاش کرده بخشی کمتر دیده‌شده از تاریخ اهل‌بیت(ع) را روایت کند؛ بخشی که نشان

کتاب‌خوانی می‌داند.

مطالعه را در تار و پود زندگی روزانه بیافید
ماريسا ور، متخصص آموزش سواد خواندن، می‌گوید کتاب‌خوانی نباید فعالیتی جدا از زندگی روزمره باشد. به اعتقاد او، خواندن کتاب پیش از خواب، مرور مقاله‌هایی درباره موضوعات مورد علاقه کودک، گوش دادن به کتاب‌های صوتی یا حتی همراه داشتن کتاب در خودرو، می‌تواند مطالعه را به عادتی طبیعی و دلپذیر تبدیل کند.

او پیشنهاد می‌کند خانواده‌ها هر روز زمانی مشخص را به مطالعه اختصاص دهند؛ زمانی که همه اعضای خانواده کتاب بخوانند و سپس درباره آنچه خوانده‌اند گفت‌وگو کنند. و ر تأکید می‌کند کودکان باید در انتخاب کتاب آزاد باشند؛ زیرا همین آزادی، اشتیاق آنها به خواندن را افزایش می‌دهد.

لذت مطالعه از دل توانایی خواندن می‌آید

مایا پین اسمارت، پژوهشگر و نویسنده حوزه سواد خواندن، یادآور می‌شود که علاقه به شنیدن داستان با علاقه به خواندن کتاب تفاوت دارد. به گفته او، اگر کودک در خواندن واژه‌ها یا درک متن با دشواری

تأثیر تغذیه بر یادگیری دانش‌آموزان در محیط مدرسه

وضعیت قد و وزن دانش‌آموزان و مشاوره با خانواده‌های دارای فرزندان بدغذا.
ایجاد محیط شاد و آرام: محیط پر استرس باعث می‌شود دانش‌آموز نتواند وعده غذایی خود را کامل مصرف کند.
نتیجه‌گیری
مدیریت انضباط در مدارس بدون توجه به نیازهای فیزیولوژیک دانش‌آموزان ناقص است. مدرسه به عنوان یک محیط آموزشی باید «تغذیه سالم» را به عنوان یک رکن انضباطی در کنار سایر قوانین آموزشی قرار دهد. دانش‌آموزی که از نظر جسمی تغذیه مناسبی دارد، قطعاً آمادگی ذهنی و ظرفیت انضباطی بالاتری برای یادگیری خواهد داشت.
ناصر علی زاد
همای معاون آموزشی مدرسه حضرت قائم (عج) ناحیه ۲ تبریز

رفتارهای منفی باشد. یک مدرسه منظم، محیطی است که در آن:

ساعت‌های تغذیه منظم است: پیش‌بینی زنگ‌های تفریح برای میان‌وعده مانع از افت قند خون می‌شود. محیط غذاخوری کنترل‌شده است: رعایت آداب و نظم در هنگام خوردن، خود بخشی از آموزش انضباط فردی است.

۳. راهکارهای اجرایی برای مدیران و مربیان
برای بهبود انضباط از طریق تغذیه، مدارس می‌توانند اقدامات زیر را انجام دهند:

ارائه لیست میان‌وعده‌های سالم: ممنوعیت خوراکی‌های دارای قند مصنوعی بالا و جایگزینی با تنقلات طبیعی.

آموزش سواد تغذیه‌ای: برگزاری جلسات برای والدین جهت تهیه بسته‌های غذایی سالم.

پایش وضعیت سلامت: بررسی دوره‌ای



۲. نقش انضباط عمومی در فرهنگ‌سازی تغذیه
انضباط عمومی در مدرسه نباید تنها به معنای کنترل

مشارکت فعال در فعالیت‌های گروهی و انضباطی می‌شود.

[illegible]

شماره نامه: ۲۲۳۵۲۸۷	روانامه طرح نو	شماره نامه: ۲۲۳۵۶۴۳	روانامه طرح نو
شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۵۸۴۳ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ آگهی فقدان سند مالکیت دو دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین تحت پلاک ۳۷۸ فرعی از ۸۹۱۶ اصلی واقع در بخش ۰۵ تبریز در دفتر املاک الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۴۱۷۰۰۵۵۲۰ بنام فرهاد محمودی قبیجا قی ثبت و سند به شماره چایی ۹۲۸۷۰۴ ب ۰۰ صادر گردیده است. حال مالک با ارائه استشهاد محلی به شرح درخواست ۱۴۰۵۶۲۶۳۷۸۲۰۰۰۶۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ دفترخانه ۲۹۳ تبریز مدعی فقدان سند مالکیت مزبور به علت اسباب‌کشی شده و تقاضای صدور سند مالکیت	المنی نموده است. مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود. هرکس ادعائی نسبت به وجود ورقه مالکیت یا انجام هرگونه معامله را نزد خود دارد، می‌تواند اعتراض خود را کتبا به مدت ده روز پس از انتشار آگهی اداره ثبت تبریز تسلیم نماید بدیهی است پس از انقضای مدت قانونی نسبت به صدور سند مالکیت المنی اقدام خواهد شد و به اعتراضات وارده در خارج از مدت ترتیب اثر داده نخواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ سراج رفیعیان رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه جنوب تبریز	شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۵۸۴۳ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ آگهی فقدان سند مالکیت شش‌دانگ یک واحد آپارتمان تحت پلاک ۸۷۴ فرعی از ۹۰۲۹ اصلی بخش ۰۵ ناحیه ۰۰ تبریز در دفتر املاک الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۰۴۰۱۰۴۳۳۱۱ بنام حمید اقدم نوجه‌ده ثبت و سند به شماره چایی ۱۸۱۱۱۱۹۴۵۰ گردیده است. حال مالک با ارائه استشهاد محلی به شرح درخواست ۱۴۰۵۶۲۶۵۰۷۱۷۰۰۱۰۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ دفترخانه ۱۶۶ تبریز مدعی فقدان سند مالکیت مزبور به علت سهل‌انگاری شده و تقاضای صدور سند مالکیت المنی	روزنامه طرح نو

شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۰۵۸۳۷ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵	شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۰۵۸۳۶ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵	شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۰۵۸۳۵ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵
شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۰۵۸۳۴ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵	شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۰۵۸۳۳ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵	شماره نامه: ۱۴۰۵۸۵۶۰۴۱۷۰۰۰۵۸۳۲ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵

روژنامه طرح نو	شناسه آگهی: ۲۲۶۲۸۲	شماره: ۱۴۰۵/۳۰۴/۰۷۰۰۶۷۶۱ تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۱۳
پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ نادر یاغموری رئیس ثبت اسناد و املاک میانه	۱- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن حیدری فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۲۶۵۰۹ صادره از میانه به کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۶۶۱ در دو سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۷۶ متر مربع از پلاک ۶- اصلی واقع درمیانه بخش ۳۷ تبریز محرز گردیده است. ۳- خانم مرحمت رستمی فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۱۴۵۰۹ صادره از میانه به کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۶۶۳ در یک سهم مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۷۶ متر مربع از پلاک ۶- اصلی واقع درمیانه بخش ۳۷ تبریز محرز گردیده است.	۲- آقای علیرضا حیدری فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۸۸۳ صادره از میانه به کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۱۶۶۲ در دو

شماره: ۲۲۲۶۳۱۰	روزنامه طرح نو	شماره: ۲۲۲۶۳۱۰	روزنامه طرح نو
شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۷۰۷۱۸۷ تاریخ: ۱۴۰۵/۴/۱۸ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول) آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۱۴۰۵/۴/۱۸ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی آقای اباسعد اسمعیل پور فرزند صفرعلی بشماره شناسنامه ۱۵۵۴ صادره از میانه به کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۴/۱۸۳۶ ادر ششدانگ دو باب مغازه با محوطه مربوطه به	شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۷۰۷۳۵۰ تاریخ: ۱۴۰۵/۴/۲۲ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول) آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رأی شماره هیأت اول ۱۴۰۴/۴/۶۷۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای صفر انگونی فرزند خلیل بشماره شناسنامه ۱۳۴ صادره از میانه به کلاس پرونده ۱۴۰۴/۴/۱۶۴ ادر ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت	شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۷۰۷۱۸۷ تاریخ: ۱۴۰۵/۴/۱۸ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول) آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رأی شماره هیأت اول ۱۴۰۵/۴/۱۸ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی آقای اباسعد اسمعیل پور فرزند صفرعلی بشماره شناسنامه ۱۵۵۴ صادره از میانه به کلاسه پرونده ۱۴۰۴/۴/۱۸۳۶ ادر ششدانگ دو باب مغازه با محوطه مربوطه به	شماره: ۵۰۰۰ مترمربع از پلاک ۴ اصلی بخش ۴۱ تبریز واقع در اراضی شهر آجایی خریداری از آقایان بهرام خدابخنده و بهیود پویان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ نادر یاغموری رئیس ثبت اسناد و املاک میانه

شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۷۰۰۸۰۰۵ تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ ششاسه آگهی: ۲۲۳۴۹۶۹ روزنامه طرح نو	شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۴۰۷۰۰۸۰۰۵ تاریخ: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ ششاسه آگهی: ۲۲۳۴۹۵۵ روزنامه طرح نو
---	---

گزارش

«خاله» یا «عمه»؟

کدام محرم رازند؟

طرح نو؛ گروه جامعه

یک روانشناس با تشریح نقش خاله و عمه در رشد روانی کودک و نوجوان گفت: این شخصیتها، بدون آنکه جایگزین والدین شوند، می‌توانند به‌عنوان منابع حمایتی مکمل، فضایی امن برای گفت‌وگو، شکل‌گیری هویت مستقل و تقویت تاب‌آوری فرزندان فراهم کنند؛ ضمن آنکه وابستگی کودک یا نوجوان به آنها، لزوماً نشانه کم‌توجهی والدین نیست. به گزارش نصر، دنیا نهضت در گفت‌وگویی، با اشاره به نقش خاله و عمه در دوره نوجوانی، اظهار کرد: از آنجا که خاله و عمه نه مسئول مستقیم تربیت هستند و نه معمولاً در جایگاه رقابت با نوجوان قرار می‌گیرند، می‌توانند به «پایگاه امنی» برای شکل‌گیری هویت مستقل او تبدیل شوند.

وی افزود: نوجوان به فضایی نیاز دارد که در آن بتواند بدون ترس از قضاوت یا طرد شدن، پرسش‌گری کند. در این میان، خاله یا عمه‌ای که نقش «تسهیل‌گر» داشته باشد نه تصمیم‌گیرنده، می‌تواند با فراهم کردن فرصت گفت‌وگو و تفکر متفاوت، نیاز نوجوان به خودمختاری و ابراز وجود را پاسخ دهد.

رازگویی با خاله و عمه به معنای فاصله‌گرفتن از والدین نیست

این روانشناس درباره رازدار دانستن خاله یا عمه از سوی نوجوان نیز گفت: انتخاب خاله یا عمه به‌عنوان محرم راز، لزوماً به معنای فاصله عاطفایی والدین نیست. بسیاری از نوجوانانی که با والدین خود رابطه‌ای ایمن دارند نیز ترجیح می‌دهند درباره برخی موضوعات با یک بزرگسال دیگر صحبت کنند.

نهضت ادامه داد: این انتخاب، در بسیاری از موارد، بخشی طبیعی از فرآیند مرزگذاری سالم است؛ فرآیندی که به نوجوان کمک می‌کند ضمن حفظ دل‌بستگی به خانواده، هویت مستقل خود را نیز شکل دهد. اگر خاله یا عمه بتوانند بدون تحمیل دیدگاه، بدون قرار دادن نوجوان در برابر والدین و بدون سلب مسئولیت از او، فضایی برای گفت‌وگو و تامل فراهم کنند، نقش مهمی در رشد هویت، افزایش خودآگاهی و شکل‌گیری استقلال روان‌شناختی نوجوان خواهند داشت.

وی تأکید کرد: گاهی نوجوان به‌دنبال کسی نیست که مشکلش را حل کند، بلکه به‌دنبال بزرگسالی است که شاهد شکل‌گیری هویت او باشد، تغییراتش را ببیند و بدون عجله برای اصلاح یا قضاوت، این فرآیند را همراهی کند.

وابستگی به خاله و عمه، همیشه نشانه مشکل خانوادگی نیست

این روانشناس با بیان اینکه نباید وابستگی کودک یا نوجوان به خاله و عمه را به‌سرعت نشانه کم‌توجهی والدین دانست، گفت: در برخی خانواده‌ها، به‌دلیل اشتغال والدین، بیماری، استرس‌های مزمن یا تعارض‌های خانوادگی، بخشی از نیازهای هیجانی کودک کمتر پاسخ داده می‌شود. در چنین شرایطی، خاله یا عمه می‌توانند با حضوری گرم و پاسخگو، بخشی از این خلأ را جبران کنند و در کنار والدین، نقش منابع حمایتی مکمل را بر عهده بگیرند. نهضت افزود: وابستگی بیشتر به خاله یا عمه، به‌خودی‌خود نشانه وجود مشکل در خانواده نیست. بسیاری از کودکانی که دل‌بستگی ایمن با والدین خود دارند نیز روابط عمیق و معناداری با خاله یا عمه برقرار می‌کنند. آنچه اهمیت دارد این است که این رابطه به رشد کودک کمک کند، مرزهای سالم را حفظ کند و به‌جای تضعیف رابطه والد و کودک، آن را تکمیل و غنی‌تر سازد.

وی با اشاره به تفاوت رابطه نوجوان با خاله یا عمه اظهار کرد: آنچه بیش از نسبت فامیلی اهمیت دارد، کیفیت رابطه است. به بیان دیگر، کیفیت ارتباط از اینکه فرد خاله باشد یا عمه، تعیین‌کننده‌تر است. البته تفاوت‌های فرهنگی و بافت خانوادگی نیز می‌توانند بر این موضوع اثر بگذارند. در دوران نوجوانی، این تفاوت‌ها بیش از هر چیز تحت تأثیر جو خانواده، نزدیکی عاطفی و سبک ارتباطی قرار می‌گیرند، نه صرفاً عنوان خاله یا عمه بودن.

این روانشناس درباره عوامل ایجاد صمیمیت یا فاصله میان کودک و نوجوان با خاله و عمه نیز اظهار کرد: حضور پایدار و قابل پیش‌بینی، گوش دادن فعال، پذیرش بدون مقایسه و تحقیر، بازی و فعالیت مشترک و حمایت در بحران‌ها، از عوامل ایجادکننده صمیمیت هستند. در مقابل، انتقاد مداوم، مقایسه با دیگران، دخالت بیش از حد، افشای رازها، بی‌ثباتی رفتاری، پیش‌بینی‌ناپذیر بودن و دیگر شدن در تعارض‌های خانوادگی، از عوامل ایجاد فاصله به‌شمار می‌روند.

نهضت درباره تفاوت دل‌بستگی کودک به والدین با دل‌بستگی به خاله و عمه گفت: دل‌بستگی به والدین معمولاً دل‌بستگی اصلی کودک است؛ دل‌بستگی‌ای که نیازهای اساسی بقا و امنیت را تأمین می‌کند، در سال‌های اولیه زندگی حیاتی است و پایه الگوهای ارتباطی آینده را شکل می‌دهد. در مقابل، دل‌بستگی به خاله یا عمه اغلب فرعی یا مکمل است و بیشتر نقش حمایتی و غنی‌کننده دارد. این نوع دل‌بستگی می‌تواند در هر سنی اهمیت پیدا کند و الگوهای روابط آینده را تقویت یا تا حدی ترمیم کند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا وابستگی زیاد کودک یا نوجوان به خاله یا عمه نشانه کمبود توجه والدین است؟ تصریح کرد: این وابستگی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ از جمله رابطه گرم و جذاب با خاله یا عمه، ویژگی‌های شخصیتی کودک، زمان بیشتری که با آنها سپری می‌شود، نقش مراقبتی آنها و در برخی موارد، کمبود توجه یا درگیری هیجانی والدین. این روانشناس ادامه داد: زمانی این وابستگی می‌تواند نگران‌کننده باشد که کودک به‌طور مداوم از والدین دوری کند، در حضور آنها احساس ناامنی نشان دهد، فقط در کنار خاله یا عمه آرام شود یا با والدین دچار تعارض شدید باشد.

نقش خاله و عمه در تقویت تاب‌آوری کودک

نهضت با اشاره به نقش این رابطه در تقویت تاب‌آوری کودک عنوان کرد: کودک در کنار بزرگسالی که بدون قضاوت به احساسات او گوش می‌دهد، یاد می‌گیرد هیجان‌هایش را بپذیرد، آنها را نام‌گذاری کند و به‌جای اجتناب، ارتباط سالم‌تری با تجربه‌های درونی خود برقرار کند. بنابراین، آنچه نقش خاله یا عمه را ارزشمند می‌کند، صرفاً نسبت خانوادگی نیست، بلکه کیفیت رابطه، احساس امنیت و حمایت ادراک‌شده‌ای است که در ذهن کودک شکل می‌گیرد. این احساس می‌تواند در کنار رابطه ایمن با والدین، به یکی از مهم‌ترین منابع تاب‌آوری کودک تبدیل شود.

پیامدهای روانی یک رابطه حمایتگر

وی درباره تأثیر رابطه خوب با خاله یا عمه بر سلامت روان کودک نیز بیان کرد: وجود یک بزرگسال حمایتگر در زندگی کودک می‌تواند به تأمین نیازهای اساسی او، از جمله دل‌بستگی ایمن، پذیرش، همدلی و حمایت هیجانی کمک کند. همچنین این رابطه می‌تواند پیامدهای مثبتی مانند کاهش اضطراب و احساس تنهایی، افزایش عزت‌نفس، بهبود توانایی تنظیم هیجان، افزایش تاب‌آوری در برابر استرس و کاهش برخی مشکلات رفتاری به همراه داشته باشد. در خانواده‌هایی که والدین از دل‌بستگی ایمن‌تری برخوردارند، حضور نفر سوم، مانند خاله یا عمه، تهدید تلقی نمی‌شود. از سوی دیگر، هرچه فضای خانواده حمایتگرتر باشد، احتمال شکل‌گیری رابطه مثبت با خاله یا عمه نیز بیشتر خواهد بود.

وی در پایان درباره اینکه وابستگی کودک به خاله بیشتر است یا عمه؟ گفت: براساس مطالعات جهانی، نمی‌توان در این زمینه به نتیجه مشخصی رسید. این موضوع بیش از هر چیز به تفاوت‌های فرهنگی و کیفیت روابط خانوادگی بستگی دارد.

طرح نو بررسی می‌کند:

تبریز کانون زلزله‌های سهمگین در ایران



این زمین لرزه بزرگ، در شامگاه روز آدینه چهارم ذیقعدۀ همان سال (مطابق پنجم فوریهٔ ۱۶۴۱) در سردترین روزهای زمستان سرزمین آذربایجان روی داده است. کسروی در آنجا که از زمین لرزه های تبریز در گفتار قطران، شاعر آذربایجان، سخن می دارد، می نویسد: «خبر این حادثه را آراکیل تبریزی که یکی از مورخان ارمنی است و در آن زمان‌ها می‌زیسته است، در کتاب خود به تفصیل بسیار نگاشته است: در سخت‌ترین روزهای زمستان، در هنگامی که برف از آسمان می ریخته و مردم خویشتن را به پناه خانه‌ها کشیده بودند، ناگهان زمین چنان می لرزد که در یک آن، همه پست و بلند شهر یکسان می نماید. در این حادثه است که کوشک پادشاهی شام-غازان- که از زمان غازان خان به یادگار مانده و یکی از باشکوه ترین عمارت‌های تاریخی ایران به شمار بوده، از هم فروریخته و جز یک منت ویرانه، نشانی از آن باز نمی ماند. همچنین مسجد تاریخی استاد – شاگرد و دیگر مسجدها که هرکدام یادگار پادشاهی یا وزیری بودند، همه ویرانه می شوند.»

آراکیل می نویسد: «روز نخست که این لرزش زمین روی داد در بیرون شهر به ویژه در خسروشاه و اسکو، همه آبادیهی ویرانه شدند و یک دیهی که بر سر کوهی نهاده بود پاک به زمین فرو رفت و از کوهها چشمه های سیاه روان شدند. روز سوم که لرزش سخت دیگری روی داده این چشمه ناپیدا گشته چشمه های سیاه دیگری از نو پیدا شدند.» می گوید: «این زمین لرزه تا شش ماه دوام داشت، بدین سان که تا دو ماه در شبانه روز چند بار لرزش روی می داد ،سپس کمتر شده در شبانه روز یک بار روی می داد تا پس از شش ماه دیگر روی نداد.» در کتاب ذیل تاریخ عالم آرای عباسی درباره این زمین لرزه چنین آمده است: «وهم در این سال در حدود خطه طرب انگیز دارالسلطنه تبریز و دهخوارقان به آفت زلزله و انهدام بنیان ابنیه و عمارات، دوازده هزار کس از زن و مرد و خرد و بزرگ و پیر و جوان سر در مفاک خاک کشیده، سایر مردمان از آن آفت شدید ایمن گردیدند و خرابیهی ابنیه و عمارات بسیاری از قراء و مزارع آن دیار به جایی رسید که دور و قصور رفیعۀ توده خاک گردیده و از ساکنانش، ساکن داری و نافع ناری نماند.»

سومین زمین لرزه ی تبریز در زمان حکومت مغولان

سومین زمین لرزه تبریز که تا اندازه‌ای سخت بوده و در تاریخ‌های پادی از آن کرده‌اند، زمین لرزه سال ۶۷۱ ه‍.ق. (۱۲۷۲ میلادی) است که در زمان پادشاهی اباق‌خان فرزند هلاکو خان مغول روی داده است. کهن‌ترین آگاهی که از این زمین لرزه در دست داریم، در جامع التواریخ رشیدی (تألیف ۷۰۴ ه‍.ق.) نوشته‌ی خواجه رشیدالدین فضل اله همدانی وزیر غازان خان و سلطان محمد خرینده (الجبایتی) است که می نویسد: «در شهر سنه احدی و سبعین و ستمایه در صمیم زمستان به محروسه تبریز زلزله عظیم حادث شد و تا چهار ماه گاه گاه زمین حرکت می‌کرد.» در جامع التواریخ، چاپ بهمن کریمی، ج ۲ ص ۲۸۷ و در نسخه‌ی خطی جامع التواریخ استان قدس رضوی در ورق ۳۹۱- ۳۹۲ نوشته شده: «در تاریخ سنه احدی و سبعین و ستمایه در زمستان در تبریز زلزله سخت حادث شد چنانکه سر منارها افتاد و خانه ها خراب شد.»

چهارمین باری که زمین، تبریز را سخت لرزاند

چهارمین زمین لرزه بزرگ و سخت تبریز در ماه ذیقعدۀ سال ۱۰۵۰ ه‍.ق. رخ داده است. شرح نسبتاً دقیق این زمین لرزه خوشبختانه در چند منبع معتبر از جمله گزارش محمد نصیر صاحب توحیه، رستم خان سپهسالار و تاریخ آراکیل تبریزی تاریخ نویس ارمنی مورد تأیید قرار گرفته است. بنابر گزارش محمد نصیر، نخستین تکان سخت

زمین لرزه آورده ایم.

نخستین آگاهی که از این زمین لرزه در دست داریم، در جنگی دستنوشث (شماره ۵۶۷۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) است که پیداست در سالهای نزدیک به واقعه نوشته شده و ما آن را عینا در اینجا می آوریم : «از غرایب زلزله تبریز آن که در سنه ۱۱۳۳ اودنیل در بیست و هشتم شهر جمادی الثانی روز دوشنبه دو ساعت و نیم از روز گذشته زلزله عظیم شد که تبریز بالکلیه منهدم گردید که دیگر عمارت نماند. در آن وقت قریب به چهل – پنجاه هزار خانه خراب شده بود سواى مساجد و رباط و حمام و بازار، تخمینا بقول تبریزیان شصت هزار کس فوت شده بود سواى مردم غریب که از تمامی ممالک محروسه در آنجا آمده بود و از ایشان در بازار و حمام قریب به چهل هزار کس فانی شده که مجموع صد هزار کس باشد.»

در کتاب ریاض الجنه که دائرةالمعارف بزرگی است، نوشته میرزا محمد حسن زنوزی (تألیف ۱۲۱۶ ه‍.ق.)، آمده است: «کاتب الحروف گوید: که سه سال پیش از استیلای رومیه (ترکان عثمانی) به دارالسلطنه تبریز ... زلزله عظیم در تبریز اتفاق افتاد و جمع کثیر از ذکور و اناث هلاک شدند و با کثر ابنیه عالیه از مساجد و مدارس و مقابر شکست فاشش و ظاهر راه یافت، نهایت بالمره منهدم نگردید...» اوژن فلاندن که در میان سالهای ۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ میلادی سفری به ایران کرده و سفرنامه‌ای پدید آورده است درباره‌ی زمین لرزه‌ی ۱۷۲۱ م. می نویسد: «سخت ترین آنها در سال ۱۷۲۱ اتفاق افتاده و هشتاد هزار نفر جمعیت این شهر را از بین برده است. این واقعه در زمان شاه سلطان حسین و به وقتی است که این شاهزاده تیره بخت می خواست سلطنت را به یک افغان فتنه جو که در این وقت اصفهان را محاصره کرده بود واگذار نماید.

هفتمین باری که تبریز سخت لرزید!

پیش از آنکه سخن را بر سر زمین لرزه‌ی هفتم بکشانیم، باید به دو زمین لرزه‌ی کم اهمیت تر که در این میان در تبریز و پیرامون آن روی داده است اشاره‌ای بکنیم: یکی از این ها زمین لرزه سال ۱۱۶۹ هجری قمری (۱۷۵۵ میلادی) است که به نوشته آرنولد ویلسون در یک زمان، هم در تبریز و هم در کاشان و اصفهان روی داده بوده و چون ویرانی و کشته‌ای بر جای ننهاده از این رو شرحی درباره آن در نوشته ها نیامده است.

دیگری زمین لرزه‌ای است که به سال ۱۱۸۸ هجری قمری (۱۷۷۴ میلادی) در سرتاسر آذربایجان پیش آمده و ناچار شهر تبریز را هم تکان داده بوده و چنین پیداست که شدت این زمین لرزه از زمین لرزه‌ی سال ۱۱۶۹، بسیار بیشتر بوده و آن را بالای وحشتناک نوشته اند.

هشتمین زمین لرزه در تبریز

هشتمین زمین لرزه سهمناک و ویرانگر و کشتارکن تبریز، زمین لرزه سال ۱۱۹۴ هجری قمری(۱۷۸۰ میلادی) است که با توصیف‌هایی که از پی آمدها و اثرات آن کرده‌اند، می‌توان پی برد که از همه‌ی زمین لرزه‌هایی که تا کنون در تبریز رخ داده است، سخت تر و هراس انگیزتر بوده است. نخستین تکانهای سخت آن دو ساعت از آدینه شب سی ام ذی حجه سال ۱۱۹۳ ه‍.ق. (۶ ژانویه ۱۷۸۰م.) گذشته روی داده و تا بامداد فردای آن شب زمین تا چهل بار همچنان تکان های

سخت می خورده و می‌لرزیده است. زمین لرزه در زمستان و در نیمه دیماه روی داده و مردم شهر براثر سرما و شب در خانه و کاشانه‌های خود گرد آمده بوده اند.

آمار کشته شدگان در این زمین لرزه را گوناگون نوشته اند. ریاض الجنه، همه‌ی کشته شدگان شهر و پیرامون را یکصد و بیست هزار تن، اولاد الاطهار؛ تنها شهر را یکصد هزار تن بجز زخمداران و دست و پا شکستگان، میرزا حسن طباطبایی؛ چهل هزار تن (از نفوس محترمه)، سر ویلیام اوزلی از زبان یک آدم معتبر؛ چهل هزار تن، مادام دیولافو؛ چهل هزار و آرنولد ویلسون؛ پنجاه تا شصت هزار تن از مردم شهر نوشته اند. در پی آمدهای زمین لرزه، نویسندey ریاض الجنه آورده است که: «... در تبریز به بلندی یک وجب دیوار بر سر پا نماند، در بیشتر کوه‌ها شکافهای بزرگ پدیدار گردید و در راه شبلی (گردنه‌ای است در راه تبریز به تهران) شکافی دراز نزدیک به هفت فرسنگ (۴۲ کیلومتر) بهم رسید و در شعاع نزدیک به دوازده فرسنگ (۷۲ کیلومتر) از پیرامون شهر در پی زمین لرزه ویران گردید.»

پیداست که در این زمین لرزه بسیاری از ساختمان‌ها و کاخ‌ها و مسجدها و منارها و بازارها و سرای‌ها و کاروانسراهای تبریز با خاک یکسان گردیده بود و جز بخشی از مسجد کبود و ارگ علیشاه که هنوز هم بازمانده‌ی آنها در تبریز نمایان است، دیگر هیچ بنیاد کهنی که مقدار آن هم کم نبوده است، برپا نیانستاده و شهری بدان بزرگی و آبادانی به تلی خاک تبدیل گردیده بود.

آخرین زلزله ی سهمگین در تبریز

زمین لرزه‌ی سال ۱۲۰۱ هجری قمری (۱۷۸۶ میلادی) نیز از زمین لرزه های بزرگ و سخت تبریز بشمار می آید. و این زمین لرزه هنگامی روی داده که هنوز مردم تبریز از بیم و هراس زمین لرزه پیشین بیرون نیامده بوده اند، هنوز داغها فراموش نگشته، زخمها بهبود نیافته و ویرانیهای شهر آباد نشده بود. با همه اهمیتی که این زمین لرزه داشته، آگاهی ما درباره داستان آن بسیار اندک است. همین اندازه می‌دانیم که زمین لرزه در شب و آخر فصل خزان روی داده است. کربورتر انگلیسی درباره‌ی کشتگان این زمین لرزه نوشته که شماره آن چهارده هزار تن بوده است.

گرچه او روز و ساعت این زمین لرزه را ننوشته است، لیک از روی شمارش روزهای سفر او می توان بدست آورد که زمین لرزه در نیمه ماه مه ۱۸۰۶ م. رخ داده است. آرنولد ویلسون از این زمین لرزه آگاه نبوده و در فهرست زمین لرزه های ایران از آن یاد نکرده است.

در این زمان تبریز در زیر فرمان عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه بوده و با آنکه او در آبادی تبریز کوشش بسیار می نمود، هنوز شهر به رویه ی نخستین برنگشته بوده است. ژوبر می نویسد: «بر اثر زلزله های موحشی، آبادیهایی اطراف تبریز چنان ویران شده که تا کسی وضع آنها را در زمان آبادی ندیده باشد، نمی‌تواند به میزان خسارت و خرابی پی برد. قبل از رسیدن به تبریز، مسافر نه تنها از میان ویرانه ها می گذرد، اکثر بناهایی که در زمان شاردن وجود داشته، براثر عبور من هم تکان شدیدی حادث شد که بیش از چهل منزل را خراب کرد، و عده زیادی از سکنه را متواری ساخت.»

خبر

ضعف بسته‌بندی
بازار محصولات باغی را
تهدید می‌کند

طرح نو؛ گروه خبر
رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار ارومیه با بیان اینکه بسته‌بندی نامناسب، قدرت رقابت محصولات باغی استان را در بازارهای داخلی و صادراتی کاهش داده است، گفت: با وجود کیفیت بالای تولیدات، ضعف در برداشت، نگهداری و بسته‌بندی موجب از دست رفتن بخشی از بازارهای هدف شده است.
یحیی آرتگ پور در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به چالش‌های پیش‌روی بازار میوه و تره‌بار اظهار کرد: امروز رقابت در بازارهای داخلی و خارجی بیش از گذشته شده و دیگر صرف تولید محصول باکیفیت برای موفقیت کافی نیست؛ مشتری علاوه بر کیفیت، به نحوه عرضه و بسته‌بندی محصول نیز توجه ویژه دارد.
وی با بیان اینکه آذربایجان‌غربی از ظرفیت بالایی در تولید محصولات باغی برخوردار است، افزود: محصولات بسیار باکیفیتی در استان تولید می‌شود، اما به دلیل ضعف در بسته‌بندی و رعایت نشدن استانداردهای برداشت و نگهداری، بخشی از این ظرفیت از بین می‌رود و تولیدکنندگان نمی‌توانند از ارزش واقعی محصولات خود بهره‌مند شوند.
آرتگ‌پور با تأکید بر لزوم حفظ بازارهای هدف گفت: اگر توانیم محصولات را با کیفیت مطلوب و بسته‌بندی مناسب به بازار عرضه کنیم، به‌تدریج بازارهای داخلی و صادراتی خود را از دست خواهیم داد، زیرا امروز خریدار به ظاهر، ماندگاری و کیفیت بسته‌بندی به اندازه کیفیت محصول اهمیت می‌دهد.
رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار ارومیه با اشاره به معضل وضعیت فروش محصول گیلاس استان در سال جاری خاطرنشان کرد: امسال بخشی از گیلاس تولیدی استان به دلیل افت کیفیت و نبود بسته‌بندی مناسب، با قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی عرضه شد و در بازارهای داخلی و خارجی نیز با استقبال مطلوبی مواجه نشد، چراکه محصول جذابیت لازم برای عرضه در بازارهای صادراتی را نداشت و در فرآیند حمل‌ونقل نیز بخشی از کیفیت خود را از دست می‌داد.
وی خواستار برنامه‌ریزی مشترک میان سازمان جهاد کشاورزی، باغداران و فعالان این حوزه شد و گفت: اصلاح شیوه‌های برداشت، توسعه صنایع بسته‌بندی و آموزش بهره‌برداران می‌تواند از هدررفت محصولات جلوگیری کرده و ارزش افزوده بیشتری برای تولیدکنندگان ایجاد کند.
رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار ارومیه تأکید کرد: اگر به مقوله بسته‌بندی و استانداردسازی زنجیره تولید و عرضه توجه نشود، بخشی از محصولات ارزشمند کشاورزی استان همچنان با قیمت پایین‌تر از ارزش واقعی به فروش خواهد رسید و فرصت حضور پرنگ‌تر در بازارهای صادراتی از دست خواهد رفت.

توزین و سایر زیرساخت‌های مورد نیاز حمل‌ونقل و ترانزیت احداث خواهد شد.

زیرساخت‌های گمرکی و خدماتی مرز رازی
تقویت می‌شود

شکری با اشاره به اقدامات انجام‌شده در حوزه گمرکی نیز گفت: باسکول‌های ورودی و خروجی پایانه نصب و راه‌اندازی شده و همچنین زمینی به مساحت پنج هزار متر مربع برای استقرار دستگاه ایکس‌ری کامیونی و یک هزار متر مربع برای استقرار دستگاه ایکس‌ری خودروهای سواری در اختیار گمرک قرار گرفته که عملیات اجرایی آن با پیشرفت مناسب در حال انجام است.
وی ادامه داد: عملیات اتصال تونل مسافری ایران به تونل طرف ترکیه به پایان رسیده و سامانه نوبت‌دهی مجازی و حضوری کامیون‌ها نیز در بستر سامانه «بردر پارک» راه‌اندازی شده است.
مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان‌غربی با اشاره به تفکیک کامل مسیر تردد مرزشینان از سایر مسافران، اجرای پروژه دفنی فیبر نوری، تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و توسعه مجتمع‌های خدمات رفاهی در مسیر مرز رازی، این اقدامات را گامی مهم در ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی، افزایش ظرفیت ترانزیت و تسهیل تجارت خارجی عنوان کرد.

وی با اشاره به اینکه ارتفاع عمق چاه‌ها در ارومیه به ۴۲ متر و در خوی و سلماس به ۳۸۰ متر رسیده است، خاطرنشان کرد: با وجود افزایش سه برابری بارش‌ها اگر وضعیت کنترل نشود شاهد فروزشست در برخی دشت‌های استان خواهیم بود.
رستگاری اضافه کرد: هم اکنون وضعیت سه الی چهار دشت در استان به دلیل برداشت‌های بی‌رویه در دوره خشکسالی از آبخوان‌ها به خصوص در سلماس و کهریز ارومیه بحرانی و فوق بحرانی است.
مدیرعامل شرکت آب منطقه ای آذربایجان غربی ممنوعیت حفر چاه بر اساس قوانین در دشت‌های ممنوعه، تغییر الگوی کشت بخش کشاورزی، را از اقدامات بازدارنده در خصوص تقویت آبخوان‌های این مناطق عنوان کرد.
رستگاری اجرای طرح تعادل بخشی برای حفظ آبخوان‌ها را از مهمترین اقدامات این شرکت در سال‌های اخیر برشمرد و گفت: انسداد چاه‌های غیرمجاز، نصب کنتور هوشمند، استفاده ازمرشست محصولات کم آب بر به همراه تغذیه مصنوعی آبخوان از دیگر اقدامات این شرکت به شمار می‌رود.
مدیرعامل شرکت آب منطقه ای آذربایجان غربی تعداد چاه‌های مجاز استان را ۳۳ هزار حلقه عنوان و اضافه کرد: در کنار این چاه‌ها ۳۰ هزار حلقه چاه کشاورزی، ۹ هزار و ۴۰ حلقه چاه آب شرب و دو هزار و ۹۰۰ چاه در حوزه صنعت داریم که این چاه‌ها ضمن نصب کنتور هوشمند به صورت مستمر رصد و پایش می‌شوند.

متعددی برای گروه‌های مختلف برگزار می‌شود.
وی اظهار کرد: طرح «هروان زینبی» ویژه بانوان، «احلی من العسل» ویژه نوجوانان و «شمیم حسینی» با هدف حمایت از هیأت‌های مذهبی از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی اوقاف در ایام محرم و صفر است که اجرا شد.
جوانبخت با اشاره به اجرای نیات واقفان در بخش اطعام و کمک‌های معیشتی گفت: امسال ۳۰ هزار پرس غذای گرم با اعتباری بالغ بر ۵ میلیارد تومان از محل نیات واقفان طبخ و توزیع شده و همچنین یک هزار بسته معیشتی به ارزش ۴ میلیارد تومان در اختیار خانواده‌های نیازمند قرار گرفته است.
وی از برپایی موبک «واقفان خیراندیش» آذربایجان‌غربی در مرز مهران نیز خبر داد و افزود: برای تأمین اقلام مورد نیاز اطعام زائران اربعین، ۶ میلیارد تومان هزینه شده و امروز نیز ۴۰ نفر از نیروهای اوقاف استان برای خدمت‌رسانی به مرز مهران اعزام می‌شوند.
مدیرکل اوقاف و امور خیریه آذربایجان‌غربی خاطرنشان کرد: موبک اوقاف استان با محوریت «امامزاده ابراهیم قتال» باهمراهی موبک‌های ۶ استان تا دو روز پس از اربعین به زائران خدمات ارائه خواهد کرد و بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده، در هر وعده ۵ هزار پرس غذا میان زائران توزیع می‌شود.

زمینی به مساحت ۳،۵۸ هکتار و با زیربنای حدود ۱۰ هزار مترمربع در سه طبقه شامل بخش‌های مسافری، اداری و تجاری در سال ۱۴۰۲ به بهره‌برداری رسیده است.
وی افزود: محوطه ایست اختیاری به وسعت ۹،۲ هکتار نیز پس از آزادسازی کامل با همکاری دستگاه قضایی، نیروهای نظامی و انتظامی آماده اجرای طرح توسعه شده و تمامی مطالعات ژئوتکنیک، نقشه‌های فاز یک و دو و مطالعات فنی آن به پایان رسیده است.
مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان‌غربی با بیان اینکه طرح ساماندهی ایست اختیاری در شورای ساماندهی مبادی مجاز زمینی کشور به تصویب رسیده است، خاطرنشان کرد: برآورد اولیه اجرای این طرح هشت هزار میلیارد ریال بوده که با به‌روزرسانی قیمت‌ها، ارزش اجرای پروژه اکنون به بیش از یک و نیم همت رسیده و پیمانکار آن طی هفته‌های آینده انتخاب خواهد شد.
وی خاطرنشان کرد: در قالب این طرح، مجموعه‌های خدمات رفاهی و مسافری، پارکینگ طبقاتی، پارکینگ کامیونی، محوطه تخلیه و بارگیری کالا، باسکول‌های

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان:

مصرف ۹۰ درصد آب تولیدی آذربایجان غربی در بخش کشاورزی



امسال به دلیل بارش‌ها وضعیت نسبتاً نرمالی دارند.
مدیرعامل شرکت آب منطقه ای آذربایجان غربی در خصوص وضعیت آبخوان‌های استان گفت: در سه حوضه آبی استان ۲۳ محدوده مطالعاتی شامل ۳۲ آبخوان با مساحت ۵ هزار و ۳۴ کیلومترمربع داریم که از سال ۷۹ تاکنون این محدوده‌ها پایش می‌شوند.
رستگاری اضافه کرد: متأسفانه با وجود بارش‌ها به دلیل خشکسالی‌های گذشته حجم سطح آبخوان‌های استان به صورت ارتفاعی تحلیل می‌روند و نیازمند صرفه جویی و تقویت آبخوان‌ها هستیم.

وی تأکید کرد: معیشت مردم باید از کشاورزی تغییر یابد که برای تحقق آن نیز باید دولت اقدامات جبرانی برای معیشت کشاورزان انجام گیرد و در این راستا نیز اقدامات وابستگی کشاورزی به آب‌های زیرزمینی کاهش یابد.
رستگاری در خصوص منابع آبی استان گفت: در استان ۱۷ سد بیش از دومیلیارد و ۵۰۰ میلیون مترمکعب آب به همراه ۱۵ رودخانه به طول ۵ هزار و ۱۰۰ کیلومتر داریم که پس از سه سال خشکسالی

طرح نو؛ گروه گزارش
مدیرعامل شرکت آب منطقه ای آذربایجان غربی گفت: در حال حاضر ۹۰ درصد آب تولیدی استان در بخش کشاورزی مصرف می‌شود.
مجید رستگاری اظهار کرد: در استان سه حوضه آبریز ارس با ۲۸ درصد، دریاچه ارومیه با ۶۸ درصد و زاب با ۸ درصد داریم که میزان آب تولیدی در این سه حوزه بیش از ۸ میلیارد مترمکعب است.
وی ادامه داد: از این میزان ۹۰ درصد آب در بخش کشاورزی، ۸،۵ درصد در بخش آب شرب و یک و نیم درصد در بخش صنعت استان مصرف می‌شود.
رستگاری اضافه کرد: در برنامه هفتم توسعه کاهش یک و نیم میلیارد مترمکعبی آب در کشور هدف گذاری شده که سهم آذربایجان غربی ۶۰۰ میلیون مترمکعب است که برای تحقق نیازمند تعامل، همکاری بخش‌های مختلف از جمله مردم و کشاورزان هستیم.
مدیرعامل شرکت آب منطقه ای آذربایجان غربی گفت: بر اساس اعلام مسئولان آبفای استان سرانه استاندارد مصرف به ازای هر نفر ۱۳۵ لیتر بوده این در حالی است که سرانه مصرف در استان ما به ۲۲۰ لیتر رسیده است و نیازمند همراهی مردم برای صرفه جویی هستیم.
رستگاری با بیان اینکه با توجه به مصرف بالای آب در بخش کشاورزی برای صرفه جویی در این بخش ضمن آبیاری نوین تغییر الگوی کشت را در دستور کار قرار دهیم، گفت: از ۶۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی تنها ۲۲۰ هزار هکتار اراضی استان به آبیاری نوین



۱۵ میلیارد تومان دیگر در راستای اجرای نیات واقفان برای مساجد اختصاص یافته است.
مدیرکل اوقاف و امور خیریه آذربایجان‌غربی درباره برنامه‌های فرهنگی ماه‌های محرم و صفر نیز گفت: طرح «سوگواره بصیرت عاشورایی» از ابتدای محرم تا پایان ماه صفر در امامزادگان و بقاع متبرکه استان در حال اجراست و در کنار آن برنامه‌های فرهنگی

اختصاص دارد، تصریح کرد: پس از عزاداری سیدالشهدا(ع)، بیشترین نیت واقفان مربوط به مساجد است.
وی افزود: سال گذشته ۱۴ میلیارد تومان از محل اعتبارات دولتی برای عمران و هزینه‌های جاری مساجد و ۴۶ میلیارد تومان نیز از محل درآمد موقوفات در این بخش هزینه شد. همچنین امسال تا پایان تیرماه

طرح نو؛ گروه خبر
مدیرکل اوقاف و امور خیریه آذربایجان‌غربی از تحقق ۹۱ میلیارد تومان درآمد موقوفات استان تا پایان تیرماه امسال خبر داد و گفت: درآمد موقوفات نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته است.
حجت‌الاسلام ناصر جوانبخت با بیان اینکه مجموع درآمد موقوفات استان در سال گذشته به ۱۷۸ میلیارد تومان رسید، افزود: امسال شهرستان‌های مهاباد، خوی و ارومیه بیشترین سهم را در درآمد موقوفات استان داشته‌اند.
مدیرکل اوقاف و امور خیریه آذربایجان‌غربی با اشاره به نحوه هزینه‌کرد درآمد‌های موقوفات گفت: سال گذشته ۱۶۰ میلیارد تومان در بخش‌های جاری، عمران و آبادانی موقوفات هزینه شد و نزدیک به ۸۰ میلیارد تومان صرف اجرای نیات واقفان شد.
وی ادامه داد: از محل اجرای نیات واقفان، ۲۳ میلیارد تومان در امور مذهبی، ۵،۵ میلیارد تومان در حوزه خیریه، ۲،۵ میلیارد تومان در بخش اجتماعی، ۹ میلیارد تومان برای امامزادگان و بقاع متبرکه، بیش از ۲ میلیارد تومان برای حوزه‌های علمیه و ۵۱۱ میلیون تومان برای عتبات عالیات هزینه شده است.
جوانبخت با بیان اینکه نزدیک به ۷۰ درصد نیات واقفان استان به عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین(ع)

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای آذربایجان غربی:

روزانه ۵ هزار مسافر از مرز رازی تردد دارند



۵۰ دستگاه کامیون از مرز رازی تردد می‌کنند که در برخی روزها تعداد کامیون‌های عبوری به بیش از ۱۰۰ دستگاه نیز می‌رسد.
شکری با اشاره به توسعه زیرساخت‌های این پایانه مرزی اظهار کرد: ساختمان اصلی پایانه مرزی رازی در

چهار هزار و ۷۶۴ دستگاه در مدت مشابه امسال رسیده که بیانگر رشد چشمگیر ۲۱۰ درصدی ترانزیت از این مرز است.
وی ادامه داد: هم‌اکنون به طور میانگین روزانه حدود پنج هزار نفر مسافر، ۳۰۰ دستگاه خودروی سواری و

طرح نو؛ گروه گزارش
مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان‌غربی گفت: در سال جاری، ۵۷ هزار و ۸۲۷ نفر از مرز رازی تردد کرده‌اند که نسبت به مدت مشابه سال گذشته با ثبت ۵۱ هزار و ۶۴۳ نفر، رشد ۱۲ درصدی را نشان می‌دهد.
ارسلان شکری گفت: پایانه مرزی رازی با برخورداری از ۶ گیت ورود و ۶ گیت خروج مسافری، یک گیت خودروی سبک، ۲ گیت کامیونی ورودی و ۲ گیت کامیونی خروجی و همچنین سالن مسافری، از ظرفیت‌های مهم مرزی استان در حوزه حمل‌ونقل و تجارت خارجی محسوب می‌شود.
وی با اشاره به آمار تردد خودروهای سواری اضافه کرد: در این مدت ۳۴ هزار و ۹۹۸ دستگاه خودروی سواری از مرز رازی عبور کرده‌اند که در مقایسه با ۳۷ هزار و ۶۶۳ دستگاه در مدت مشابه سال گذشته، حدود هفت درصد کاهش داشته است.
مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان‌غربی گفت: تعداد کامیون‌های خروجی از یک هزار و ۵۳۸ دستگاه در چهار ماهه سال گذشته به

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸

لینوگرافی و چاپ: پرنیان

خبر

بررسی اصلاحات ترافیکی سطح حوزه شهرداری منطقه ۲ تبریز با حضور رئیس پلیس راهور



طرح نو؛ گروه شهری

در جلسه ای با حضور رئیس پلیس راهور تبریز با شهردار منطقه ۲، درباره اصلاحات ترافیکی سطح حوزه این منطقه تبادل نظر شد. به گزارش شهپارنیوز، در جلسه ای با حضور سرهنگ جهانگیر جهانگیری رئیس پلیس راهور تبریز و اصلان زاهدی رئیس ایستگاه راهور شهپار تبریز با محبوب عبدالله پور مدیرعامل سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل و نقل و ترافیک شهرداری تبریز، عباس هاشمی شهردار، رضا محمدی معاون حمل و نقل و ترافیک منطقه ۲ و کارشناسان این معاونت، درباره اصلاحات ترافیکی معابر سطح حوزه این منطقه گفتگو و تبادل نظر شد. در این نشست درباره تعیین تکلیف و اصلاحات هندسی، ترددی و ترافیکی معابر اصلی و مهم شهرداری منطقه ۲ از جمله معابر حوزه ائل کلی و تقاطع ۲۹ بهمن و فلکه قائم شهرک یاغچیان و همچنین هماهنگی و همکاری پلیس راهور برای مسدود کردن مسیرهای مهم سطح حوزه این منطقه برای آسفالت ریزی اساسی، مدیران شهری تبادل نظر کرده و جهت اخذ مصوبه اجرایی این اصلاحات به کمیته کارشناسی و فنی معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تبریز ارجاع شد.

طرح نو

رتبه ۲ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ارتقای مشارکت بانوان، بازوی توانمند توسعه شهری تبریز



منیری فر افزود: حضور فعال‌تر بانوان در عرصه‌های مختلف حرفه ای، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و اقتصادی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های بانوان در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های محله‌محور همچنین حمایت از برنامه‌های مهارت‌آموزی، فعالیت کارآفرینانه و مشارکت اجتماعی، از مهم‌ترین محورهای مدیریت شهری منطقه است. در این نشست، تعدادی از بانوان شاغل در منطقه ۶ نیز به نمایندگی از حاضرین، به بیان دیدگاه‌ها، مشکلات و پیشنهاد‌های خود در حوزه‌های مختلف شغلی، ورزشی، رفاهی و اجتماعی پرداختند.

است. در ادامه، حسین منیری فر نیز با تأکید بر اهمیت مشارکت بانوان در پیشبرد اهداف توسعه مدیریت شهری گفت: یکی از رویکردهای اصلی مدیریت شهری منطقه شش تبریز به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری و افزایش سرمایه اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌ها و فراهم‌سازی بسترهای لازم برای بهبود فرآیندهای تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌های اجتماعی با حمایت از ظرفیت‌های بانوان در توسعه شهری و سرمایه گذاری در توانمندسازی علمی بانوان می‌باشد.

از پیش بانوان در عرصه‌های مختلف اشاره و اظهار داشت: گسترش همکاری‌های مشترک اداره کل بانوان یا منطقه ۶ با اجرای طرح‌های توانمندسازی فردی و اجتماعی و افزایش مشارکت بانوان شاغل در شهرداری در مدیریت شهری همچنین توسعه فعالیت‌های محله‌محور با ایجاد یک شبکه منسجم از بانوان فعال در محلات غرب و شمالغرب تبریز در چهارچوب ضوابط و امکانات، از اهداف نشست می‌باشد که با برنامه ریزی‌ها و تعامل طرفین می‌توان به این مهم دست یافت و اداره کل امور بانوان پیگیر اجرایی شدن این موارد و سایر در کل مناطق

طرح نو؛ گروه شهری در نشست هم‌اندیشی مدیرکل امور بانوان شهرداری تبریز با شهردار منطقه ۶، بر اهمیت بهره مندی از توانمندی‌های علمی و ظرفیت‌های مدیریتی بانوان در حوزه‌های مختلف منطقه و افزایش مشارکت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بانوان در مدیریت شهری تأکید شد. در این نشست، جمیله خبازیان مدیرکل امور بانوان شهرداری تبریز نیز در این دیدار با تأکید بر اهمیت نقش تاثیرگذار بانوان در پیشبرد اهداف مجموعه مدیریت شهری به ضرورت مشارکت بیش

بوستان دانشسرا تا دو ماه آینده تکمیل می شود

قرار گیری خانه تاریخی در مجاورت این ایستگاه شهرداری منطقه ۸ در نظر دارد با تبدیل فضای هزارمتر مربعی بالای ایستگاه مترو به پارک شهری؛ علاوه بر توسعه فضای سبز مرکزی شهر منجر به زیباسازی اماکن و محورهای گردشگری تبریز شود.

حمیده درشته در این بازدید با اشاره به اینکه شهرداری منطقه ۸ در نظر دارد تا دو ماه آینده عملیات عمرانی بوستان ۱۰۰۰متری دانشسرا را در قسمت فوقانی ایستگاه ۸ مترو تکمیل کرده و این فضا را به پارک و فضای سبز تبدیل کند وی افزود: با عنایت به واقع شدن کاخ استانداری در روبرو و

طرح نو؛ گروه شهری به منظور پیگیری عملیات عمرانی و محوطه سازی بوستان دانشسرا ، شهردار منطقه هشت از قسمت فوقانی این ایستگاه بازدید کرده و از تکمیل عملیات عمرانی این پارک تا دو ماه آینده خبر داد.



خیابان‌هایی که دوباره زخم می‌خورند؛

کهن‌شهر تبریز و ضرورت پایان دادن به حفاری‌های بی‌برنامه

است و از سوی دیگر، مسئول صیانت از معبر عمومی. دستگاه‌های خدمات‌رسان ممکن است به فرسودگی شبکه یا ضرورت‌های فوری استناد کنند؛ اما هیچ ضرورتی، بی‌نظمی دایمی را توجیه نمی‌کند. شورای شهر نمی‌تواند فقط ناظر بماند و نهادهای نظارتی هم نباید ائتلاف چندباره سرمایه عمومی را موضوعی عادی تلقی کنند.

تبریز به چه تصمیمی نیاز دارد؟

راہ‌حل، نه شعاری است و نه دور از دسترس. تبریز به چند اقدام روشن نیاز دارد: تشکیل ستاد دایمی هماهنگی حفاری‌های شهری با اختیارات واقعی؛ راه‌اندازی سامانه یکپارچه مجوز حفاری؛ تهیه اطلس دیجیتال تأسیسات زیرزمینی بر پایه «GIS»؛ الزام همه دستگاه‌ها به اعلام برنامه توسعه شبکه در افق چندساله؛ ممنوعیت حفاری در دوره‌ای مشخص پس از آسفالت و بازسازی اساسی، مگر در شرایط کاملاً اضطراری؛ و محاسبه و انتشار عمومی هزینه حفاری‌های تکراری.

این همان نقطه‌ای است که تجربه‌هایی مانند (NRSWA) برای ما الهام‌بخش می‌شوند: شفافیت، ثبت اطلاعاتی، هماهنگی، بازرسی و مسئولیت نگهداری. اگر این ارکان در یک چارچوب محلی و الزام‌آور جمع شوند، تبریز می‌تواند از وضع موجود فاصله بگیرد. در غیر این صورت، هر آسفالت تازه، فقط مقدمه زخمی تازه خواهد بود.

آسفالت، آغاز تعهد است نه پایان پروژه

تبریز، با آن پیشینه تاریخی و این جایگاه مهم شهری، سزاوار آن نیست که خیابان‌هایش پیوسته میان آسفالت و حفاری دست‌به‌دست شوند. مسئله حفاری‌های مکرر، یک موضوع فنی محدود نیست؛ آزمونی برای عقلانیت مدیریتی ماست. اینکه آیا می‌خواهیم هر بار فقط ظاهر خیابان را ترمیم کنیم، یا بالاخره شیوه اداره شهر را اصلاح کنیم.

امروز، بیش از هر زمان دیگر، تبریز به یک تصمیم شجاعانه نیاز دارد: قانون واحد محلی برای صیانت از معابر، سامانه واحد برای ثبت و مجوز، مرجع واحد برای پاسخگویی، و یک اصل خدشه‌ناپذیر برای همه دستگاه‌ها: «یک‌بار حفاری، برای چند خدمت». هر تصمیمی کمتر از این، فقط تعویق زخم بعدی است.

این روایت، فقط یادآوری یک فرصت از دست‌رفته نیست؛ سندی است از اینکه هشدار را داشتیم، راه‌حل را هم می‌دانستیم، اما اراده برای تبدیل هشدار به قاعده را نداشتیم. اگر آن‌روز پیش‌بینی کانال‌های عمیق و عریض در خاوران جدی گرفته می‌شد، امروز شاید بخشی از هزینه‌های تکراری حفاری و بازسازی از دوش شهر برداشته می‌شد.

جهان چگونه با خیابان رفتار می‌کند؟

تجربه جهانی نشان می‌دهد که خیابان در شهرهای پیشرو، دارایی بی‌صاحب نیست. در سنگاپور، بخش مهمی از خدمات شهری در مناطق متراکم از طریق دالان‌ها و تونل‌های مشترک سامان می‌یابد. در هلسنکی، مدیریت زیرزمین با برنامه جامع و رزرو فضایی انجام می‌شود تا شهر برای نیازهای آینده، هر بار از نو شکافته نشود. در توکیو نیز کانال‌های مشترک کابل و محدودیت‌های سخت‌گیرانه برای حفاری مجدد، معبر را از تبدیل‌شدن به کارگاه دایمی نجات داده‌اند.

در انگلستان، منطق قانون (NRSWA) نیز بر همین اصل استوار است: کارهای خیابانی باید کارآمد، ایمن و با حداقل اختلال برای مردم انجام شوند. در این رویکرد، ثبت عمومی کارها، اطلاع‌رسانی پیش از اجرا، اخذ مجوز، هماهنگی میان نهادها، بازسازی استاندارد و بازرسی پس از پایان کار، اجزای یک نظام پاسخگو هستند. به بیان دیگر، حفاری یک اقدام ساده اجرایی نیست؛ فرآیندی است که باید مستند، کنترل‌پذیر و قابل بازخواست باشد.

قانون داریم، اما نظم اجرایی نداریم

در ایران نیز خلأ قانونی مطلق وجود ندارد. قانون احداث تونل مشترک تأسیسات شهری و آیین‌نامه‌های هماهنگی اقدامات عمرانی، کم‌وبیش بر ضرورت هماهنگی و تجمع تأکید کرده‌اند. با این حال، قانون تا وقتی به رویه روزمره مدیریت شهری تبدیل نشود، اثر تعیین‌کننده نخواهد داشت. مشکل ما بیش از آنکه کمبود متن قانونی باشد، ضعف ضمانت اجرا، نبود سامانه واحد، کمبود داده دقیق و فقدان مرجع پاسخگوی روشن است. این یعنی شهرداری، شورا، استانداری، فرمانداری و دستگاه‌های خدمات‌رسان، همگی سهمی در مسئله دارند. شهرداری از یک‌سو قربانی نارضایتی عمومی



واقعی و بازدارنده ندارد، دوباره‌کاری به یک عادت اداری تبدیل می‌شود.

بیان یک نمونه بومی؛ شاید همه‌چیز را روشن‌تر سازد. در سال ۱۳۸۸، هم‌زمان با تأسیس شهرداری منطقه ۹ در شهرک خاوران و در آیین بهره‌برداری از ساختمان پیش‌ساخته این منطقه، علاءالدین نورمحمدزاده، عضو وقت شورای اسلامی شهر، از شهردار وقت تبریز خواست، مدیران شهری تلاش کنند تا شهرک خاوران با درایت و دوراندیشی لازم به یک شهر مدرن تبدیل شود؛ شهری که پیش از احداث معابر و خیابان‌کشی‌ها، کانال‌های عمیق و عریض فاضلاب و مسیرهای انتقال تأسیسات شهری در آن پیش‌بینی و اجرا شود تا هیچ‌گاه آسفالت خیابان‌ها برای اجرای پروژه‌های خدماتی، دوباره کنده و تخریب نشود. آن درخواست، با تأیید شهردار وقت همراه بود و می‌توانست خاوران را به الگوی شهرسازی نوین در تبریز بدل کند؛ اما همان‌گونه که بسیاری از پیشنهاد‌های علمی، اجتماعی و رسانه‌ای در سال‌های بعد مغفول ماندند، این هشدار نیز جدی گرفته نشد. نتیجه آن شد که معابر و خیابان‌کشی‌های خاوران هم با همان شیوه‌های سنتی و منسوخ اجرا شد و هر از چند گاه، خیابان‌هایش دوباره کنده و حفاری می‌شوند.

مشترک مردم است. جین جیکویر، با نگاهی که هنوز برای فهم شهر راهگشاست، گفته بود: «خیابان‌ها و پیاده‌روهایشان، مهم‌ترین فضا‌های عمومی شهردن و حیاتی‌ترین اندام‌های آن.» اگر این گزاره را جدی بگیریم، دیگر حفاری مکرر را نمی‌توان امری عادی دانست. خیابانی که بی‌برنامه کنده می‌شود، فقط آسفالتش از بین نمی‌رود؛ زمان مردم، ایمنی ترده، نظم ترافیک و اعتماد عمومی نیز همراه آن آسیب می‌بیند. یان گِل هم یادآور می‌شود: «اول زندگی، بعد فضا‌ها، و سپس ساختمان‌ها؛ برعکس این ترتیب هرگز جواب نمی‌دهد.» همین منطق درباره زیرساخت نیز صادق است: نخست باید به زندگی و آینده شهر اندیشید، سپس درباره لایه‌های پنهان زیر خیابان تصمیم گرفت.

ریشه‌های یک آشفتگی مزمن

ریشه مشکل روشن است: نبود تقویم مشترک حفاری، تصمیم‌گیری جزیره‌ای دستگاه‌ها، فقدان بانک اطلاعاتی جامع از تأسیسات زیرزمینی، بودجه‌ریزی ناهماهنگ و نگاه کوتاه‌مدت به پروژه‌ها. هر دستگاه، مأموریت خود را پیش می‌برد؛ اما هیچ‌کس مسئول هزینه اجتماعی این بی‌نظمی‌ها نیست. وقتی تخریب معبر برای مجری، هزینه

طرح نو؛ بیژن آقابیکی در تبریز، شهری با حافظه‌ای طولانی و سرمایه‌ای عظیم از هویت، گاهی یک صحنه بیش از هر گزارش و آماری از وضعیت مدیریت واحد شهری سخن می‌گوید: خیابانی تازه آسفالت شده، جدول‌های تازه چیده شده‌اش همچنان برق می‌زنند، ماشین‌آلات آسفالت‌ریزی هنوز بطور کامل از مسیر برچیده نشده‌اند، اما چند متر آن طرف‌تر، بیل مکانیکی مشغول شکافتن همان آسفالت تازه است.

: این فقط یک ناهماهنگی فنی نیست؛ نشانه یک اختلال جدی در حکمرانی شهری و فقدان برنامه‌ریزی مشترک و بی‌توجهی به هزینه‌ای است که شهروندان هر روز، بی‌صدا و بی‌دفاع، آن‌را پرداخت می‌کنند.

در شهرهای توسعه‌یافته، اصل ساده‌ای پذیرفته شده است: خیابان، دارایی عمومی است و تخریب آن آخرین انتخاب. سنگاپور برای همین منطق، «تونل‌های خدمات مشترک» را در نواحی پرتراکم شهری به کار گرفته است؛ هلسنکی سال‌هاست فضای زیرزمینی را با نگاه راهبردی رزرو و مدیریت می‌کند؛ توکیو برای کابل‌ها و تأسیسات مدفون، شبکه‌های مشترک و محدودیت‌های سخت‌گیرانه بر حفاری مجدد دارد. در انگلستان نیز قانون (NRSWA) و ماده ۵۸ آن، برای معابر تازه‌مرمت‌شده دوره محدودیت می‌گذارد تا خیابان دوباره و بلافاصله زخم نخورد. پیام همه این تجربه‌ها روشن است: شهر موفق، شهری نیست که بیشتر می‌کند؛ شهری است که بهتر هماهنگ می‌کند.

مسئله تبریز کمبود پروژه نیست؛ مسئله، اجرای پروژه‌ها بدون پیوند با آینده زیرساختی شهر است. خیابانی که امروز ساخته می‌شود اما برای تأسیسات فردا آماده نیست، از همان روز، تخریب بعدی خود را نیز در دل دارد. در چنین وضعی، آسفالت پایان کار نیست؛ فقط فاصله‌ای کوتاه تا حفاری بعدی است. این چرخه فرساینده، هم منابع عمومی را می‌بلعد، هم اعتماد عمومی را.

تبریز بیش از بسیاری از شهرها از این بی‌نظمی آسیب می‌بیند. بافت تاریخی، فشار ترافیکی، محدودیت عرض معابر، هزینه بالای نگهداری و ضرورت بازآفرینی شهری، همه باعث می‌شود هر حفاری تکراری، فقط یک برش روی خیابان نباشد؛ بلکه ضربیه‌ای به اقتصاد شهر، آسایش شهروندان و اعتبار مدیریت عمومی باشد. خیابان در شهر، فقط بستر عبور خودرو نیست؛ بخشی از سرمایه